

## هشدار!

(... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

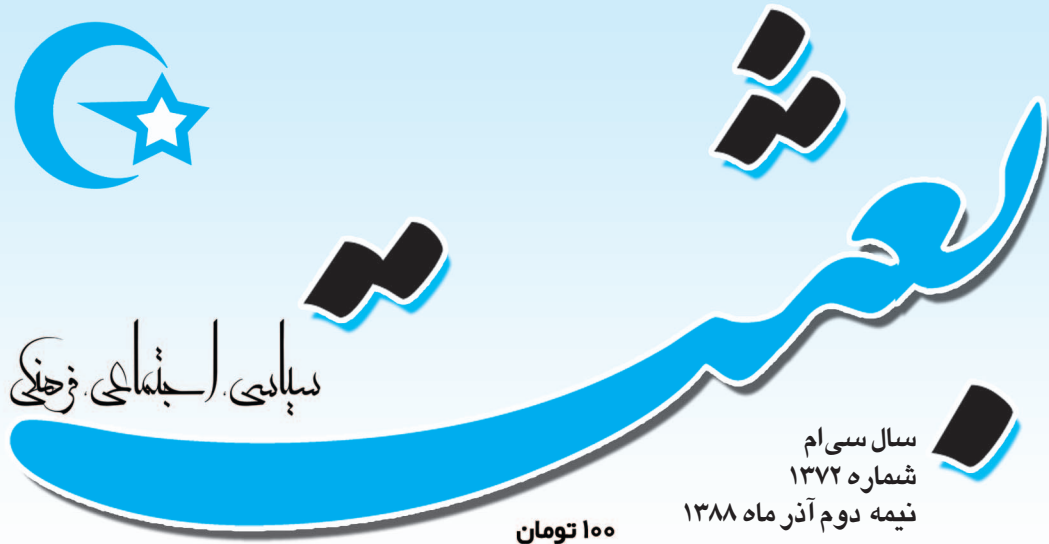
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



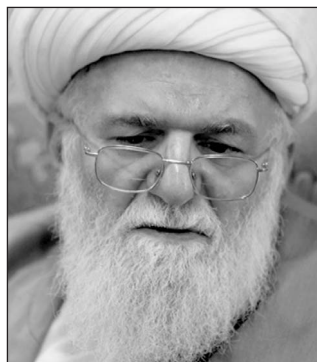
خاطره و پادی از:

## نخستین بیانات تاریخی امام پس از آزادی از زندان



آیت الله تسخیری:

## عید غدیر خم روز وحدت مسلمانان است



محبت و انس و الفت میان مسلمانان است. تسخیری با انتقاد از برخی اقدامات تفرقه آمیز میان مذاهب مختلف و همچنین ادیان و قومیت ها تاکید کرد: دین اسلام بر مبنای منطق و عقل استوار است؛ اسلام دین محبت و دوستی است، بنابراین باید برای ایجاد همبستگی، انسجام و دوستی میان مسلمانان و گسترش آن در سراسر دنیا تلاش کنیم. وی خاطرنشان کرد: سخنان امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی مبتنی بر وحدت و انسجام بین همه مسلمانان است.

حکومت امام علی (ع) حکومتی عادلانه، مردمی، و حامی محرومان بود و همچنین مسلمانان ایشان را الگوی ممتاز یک انسان مسلمان و قرآنی می دانند.

آیت الله تسخیری تاکید کرد: اگر مسلمانان جهان در همه دوران ها خط مشی و سیره امام علی (ع) را به طور کامل در زندگی اجتماعی و فردی خود اجرامی کردند، همه مشکلات آنها حل می شد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: جهان نیازمند حکومتی مانند حکومت حضرت علی (ع) است، چرا که ایشان عدالت را به بهترین نحو در همه امور زندگی مسلمانان برقرار کردند، به صورتی که حکومت امام علی (ع) نمونه حکومتی مردمی بود که اسلام و اصل مساوات و برابری در آن رعایت شد.

تسخیری افزود: مجمع تقریب مذاهب اسلامی راهبردی بلندمدت را برای نزدیک کردن اقشار مختلف جامعه اسلامی در دوران معاصر، مانند دوران رسول اکرم (ص) تدوین کرده است، که مبنای این راهبرد ایجاد روابط دوستانه، و

مورخان، مفسران، متکلمین و محدثان شیعه و اهل سنت واقعه عظیم غدیر خم را به اندازه ای نقل کرده اند که نمی توان به هیچ وجه آن را انکار کرد، و همه مسلمانان درباره این رویداد و عظمت آن اتفاق نظر دارند....

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی عید سعید غدیر خم را روز وحدت مسلمانان و پایان تفرقه دانست.

آیت الله محمد علی تسخیری در مصاحبه با شبکه خبری العالم در برنامه من طهران تصریح کرد: عید سعید غدیر خم روز اتحاد و توافق مسلمانان و روز نزدیک شدن دیدگاهها است.

آیت الله تسخیری گفت: مورخان، مفسران، متکلمین و محدثان شیعه و اهل سنت واقعه عظیم غدیر خم را به اندازه ای نقل کرده اند که نمی توان به هیچ وجه آن را انکار کرد، و همه مسلمانان درباره این رویداد و عظمت آن اتفاق نظر دارند.

وی افزود: همه مسلمانان درباره این مسئله بایکدیگر اتفاق نظر دارند که



تفرقه اندازی،  
دفاع از  
ولایت نیست

صفحه ۱۲



جنگ علیه  
شیعیان یمن

صفحه ۱۰



گفتگو با حجت الاسلام  
جعفریان، رئیس کتابخانه  
مجلس و مولف "اطلس شیعه":  
غدیر  
بنیاد تشیع است

صفحه ۴

## مجمع جهانی تقریب مذاهب توهین به

## ساحت امام خمینی (ره) را محکوم کرد

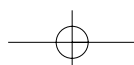
مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بیانیه ای ضمن محکوم کردن اقدام اغتشاشگران در توهین به ساحت امام خمینی (ره)، خواستار برخورد جدی مسوولان با این قبیل افراد شد.

در این بیانیه آمده است:

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن عرض تسلیت به محضر مقدس امام زمان (عج)، رهبر فرزانه انقلاب و ملت شریف ایران، توهین اغتشاشگران حوادث روز ۱۶ آذر به ساحت امام راحل رضوان الله تعالی علیه، که نماد استقلال، آزادی و اسلام ناب محمدی (ص) در عصر حاضر است را شدیداً محکوم کرده و خواهان برخورد جدی مسوولین با این قبیل افراد است. این بیانیه تاکید می کند: دشمنان اسلام بدانند که ملت رشید ایران، ملت بزرگی است که در مسیر استقلال و آزادی و اهداف خود حرکت کرده و فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته است، و تسلیم اهانت ها و توطئه های تجاوزگران و سردمداران جنگ افروز آمریکا نخواهد شد.

این بیانیه می افزاید: امروز که جریان ضد انقلاب، ناکام از همراهی و حمایت مردم، نقاب از چهره اصلی خود برداشته و در مقابل انقلاب و مردم ایستاده است، وظیفه تمامی علماء، اندیشمندان و نخبگان است که در رویارویی با این چالش، جهت آگاه سازی توده ها و بسیج آنها در مواجهه با این توطئه هوشیارانه عمل نموده و آگاه باشند که وحدت مسلمانان توطئه دشمنان را خنثی می نماید.

در این بیانیه آمده است: اسلام و معارف اسلامی، محوری ترین رکن حاکمیت این کشور و ولایت فقیه مترقی ترین اصل حکومت دینی است و تمامی اقشار با اعتقاد و برای دفاع از نظام الهی جمهوری اسلامی تا پای جان و آخرین قطره خون ایستادگی می نمایند.

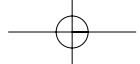












خاطره و یاد از:

# نخستین بیانات تاریخی امام پس از آزادی از زندان

حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی

نظامی! را برای محاکمه امام آماده می‌کرد، مجبور گردید که امام را در "قیطریه" در منزلی تحت اقامت جبری قرار دهد و سپس با آزادی معظم له موافقت نماید و امام در میان استقبال پرشکوه مردم، به قم بازگشت؛ اما همزمان با آزادی امام، روزنامه‌ها از قول مقام امنیتی رژیم نوشتند که آزادی امام به دنبال توافقاتی است که به عمل آمده و آقایان در سیاست دخالت نخواهند کرد!

که پس از تکمیل سطور یا صفحه آن را با نخی محکم می‌بستند و پس از تکمیل فرم ۸ یا ۱۶ صفحه‌ای، به ماشین چاپ بسته می‌شد! من وارد اتاق حروفچینی شدم، فرم‌ها همه سالم و قابل استفاده روی میز بود، نخ‌ها را به سرعت باز کردم و حروفشان را در یک پیت حلبی که نوعاً حروف سربی اضافی را در آن می‌ریختند تا بعد مجدداً جدا کنند، ریختم و بیرون آمدم. در اتاق تصحیح، دیدم که حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر احمد احمدی نشسته و مشغول غلط‌گیری کتابی است؛ ولی دو نسخه از این بیانات چاپ شده هم - که خود غلط‌گیری نهایی تایپی آن را انجام داده بود - روی میزش قرار دارد. باز به سرعت داخل شدم و موضوع را گفتم و ایشان هم آن دو نسخه را برداشت و در جیب خود جای داد!

بدون مراجعه به چاپخانه آقای برقی، خود را به کوچه آقازاده رساندم که دیدم بنده خدا، گاریچی حیران مانده که چه کار باید بکند و کتاب‌های مرا به کجا ببرد! خود جلو افتادم و گفتم چون دیر شده و من باید بر سر درس حاضر شوم، سریع بیایید و او هم عمل کرد و امانات به سلامت به خانه امن رسید. این بیانات تاریخی امام، همان‌طور که اشاره کردم، باتوجه به اختلافاتی که در آن زمان به‌ویژه در میان طلاب جوان به وجود آمده بود، بسیار تاریخی، ارزشمند، خالصانه، مخلصانه و سرنوشت‌ساز است.

سالروز ایراد این بیانات - البته بدون هیچ‌گونه ویرایشی (!)، جهت اطلاع عموم و بهره‌مندی دوستان و برادران و کسانی که در آن تاریخ نبودند و به عنوان یک سند تاریخی، نقل می‌کنم و امیدوارم که سودمند باشد؛ چرا که "قان الذکری تنفع المومنین".

تهران - اول ذیحجه الحرام ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش  
سید هادی خسروشاهی  
گزیده‌ای از بیانات تاریخی و ارزنده حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر جهان تشیع که پس از آزادی و بازگشت از تهران در روز چهارشنبه دوم ذیحجه ۱۳۸۳ در مسجد اعظم قم ایراد فرمودند:

اعوذبالله من الشیطان الرجیم. بسم‌الله الرحمن الرحیم. انالله وانا الیه راجعون! من تاکنون احساس عجز در صحبت‌ها نکرده‌ام و امروز خودم را عاجز می‌دانم؛ عاجز می‌دانم از اظهار تألمات روحیه‌ای که دارم برای اوضاع اسلام عموماً و اوضاع ایران خصوصاً و قضایائی که در این یک سال منحوس پیش آمد، خصوصاً قضیه مدارس علمی. من از قضیه پانزده خرداد مطلع نبودم تا اینکه حبس من به حصر؛ تبدیل شد؛ و اخبار خارج به من رسید. خدا می‌داند که اوضاع پانزده خرداد مرا کوبید. (گریه شدید حصار)

حالا که از قیطره به اینجا آمده‌ام، مواجه هستم با یک منظره‌هایی با بچه‌های کوچک بی پدر (گریه حصار)، با مادرهای جوان از دست داده، با زنهای برادر مرده (گریه شدید)، با پاهای

آن چاپخانه حروفچینی و چاپ می‌شد، پیغام به این شکل مشکوک به نظر نمی‌رسید و پیغام آورنده یا گوش‌دهنده تلفن متوجه موضوع نمی‌شد.

البته در این قبیل امور، سرعت و تحرک فوری، یک ضرورت است و من بلافاصله به سوی چاپخانه که در خیابان ارم مقابل "کوچه آقازاده" قرار داشت رفتم و در سر راه، یکی از باربرانی را که با گاری حمل بار می‌نمودند، پیدا کردم و با خود به چاپخانه بردم و "مکتب اسلام" - بیانات چاپ شده امام - را تحویل گرفتم تا به خانه امنی که داشتیم - منزل حجت‌الاسلام والمسلمین جناب شریفی گرگانی (ایضاً در یخچال قاضی و نزدیک منزل بنده) - منتقل کنم.

"چاپخانه حکمت" در آخر کوچه‌ای قرار داشت که یک در اصلی از خیابان و یک در ورودی در آخر کوچه داشت. از در ورودی که خواستم همراه بیانات چاپ شده و گاریچی خارج شوم، از دور دیدم که کامکار رئیس اطلاعات شهرداری قم، همراه یکی دو مأمور از در خیابان وارد شده و به سوی چاپخانه می‌آید. به گاریچی گفتم: "شما برو آن سوی خیابان، کوچه آقازاده، من الان می‌روم!" البته روی بیانی‌ها هم که چون در ۳۰ صفحه بود و حجمی را تشکیل می‌داد، گونی کشیده بودیم که در سر راه دیده نشود و دوستان نسخه‌ای مطالبه نکنند یا کل موضوع لو نرود و اصل مطلب به مقصد برسد. بلافاصله به چاپخانه برگشتم و موضوع آمدن کامکار را به آقای برقی گفتم. خیلی با خونسردی همیشگی گفت: "من کامکار را به داخل و بر سر ماشین‌های چاپ می‌برم و آنجا را که الان مشغول چاپ مکتب اسلام هستیم، به او نشان می‌دهم. شما در اتاق حروفچینی، فرم‌های این بیانات را که هنوز حروفشان را پخش نکرده‌ایم، فوری به هم بریزید تا اگر آنجا هم آمد، فرم مطالب را نیند."

البته در زمان‌های نه چندان دور، مطالب با حروف سربی و با دست، حروفچینی می‌شد

اشاره:  
پس از حوادث خونین ۱۵ خرداد و قیام مردم سراسر ایران، برای پشتیبانی از نهضت روحانیت، دستگیری و زندانی شدن امام در "زندان قصر" و سپس "پادگان عشرت‌آباد" و به دنبال فشار مراجع عظام قم و مشهد و نجف و علماء همه بلاد، سرانجام رژیم شاه که مقدمات تشکیل دادگاه

تفصیل ماجرا را شاید همه می‌دانند، در اینجا هدف نقل داستان چاپ و نشر سخنرانی تاریخی امام است که پس از بازگشت در مسجد اعظم قم آن را ایراد نمود و ضمن دعوت عموم به وحدت و احترام به مراجع و ادامه مبارزه و تقبیح کسانی که بخواهند با رژیم به "توافقات" برسند، توطئه جدید دشمن را خنثی نمود.

امام در تاریخ روز چهارشنبه دوم ذیحجه الحرام ۱۳۸۳ق طبق اطلاع قبلی برای شرکت عموم، در مسجد اعظم قم، برای هزاران نفر از طلاب و مردم قم و شهرهای دیگر، سخنرانی مهم و تاریخی خود را ایراد نمود که محتوای آن برای همیشه کاملاً سودمند و حیات‌بخش خواهد بود.

در اینجا و پیش از نقل بخش‌هایی از آن بیانات، بی‌مناسبت نیست که به چگونگی داستان چاپ آن در جزوه‌ای سی صفحه‌ای، اشاره‌ای بشود: از جمله کسانی که سخنرانی امام را آن روز ضبط کردند، یکی هم بنده بودم که بلافاصله با صرف وقت زیادی آن را از نوار پیاده کردم و چون برای نخستین بار بود که این کار را انجام می‌دادم، برایم بسیار سخت بود؛ چون تا جمله‌ای را از نوار پیاده و یادداشت می‌کردم، باید زود ضبط را خاموش می‌کردم و سپس از نو، شروع می‌نمودم! به هر حال کل سخنرانی را از نوار پیاده کردم و پس از پاکتویی، برای تسریع در امر چاپ و توزیع آخر شب، آن را به حاج آقا مصطفی - که در منزلی اجاره‌ای، مقابل منزل امام در "یخچال قاضی" سکونت داشت و به‌طور طبیعی در واقع همسایه بنده نیز بود - تحویل دادم که پس از تصویب امام برای چاپ آن اقدام شود. بعد از ظهر بود که یکی از افراد بیرونی امام به در منزل من آمد و گفت: حاج آقا مصطفی با شما کار دارد. بلافاصله به منزل ایشان رفتم. حاج آقا مصطفی با لحنی که برایم جالب نبود، گفت: "چرا بعضی از جملات و یا کلمات امام را تغییر داده‌اید؟ باید همان‌طور باشد که امام بیان کرده است."

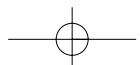
نوار پیاده کردم و در مواردی کلماتی را از شکل "گفتاری" به شکل "نوشتاری" در آوردم. و اینک اصل نوار و نسخه بدون ویرایش هم آماده است که تقدیم می‌شود تا هرطور صلاح است، دستور دهید اقدام شود!

شب هنگام یکی از افراد بیرونی امام به درب منزل آمد و گفت: "حاج آقا با شما کار دارند." من با توجه به متصل بودن منزل مسکونی‌ام به بیرونی بیت امام، در عرض چند دقیقه به خدمت ایشان رسیدم. نوار و نامه و متن سخنرانی ویرایش شده و ویرایش نشده، در جلوشان بود. با لحن پدرانه و ملایم و با تعبیراتی ملاطفت‌آمیز، ناراحتی بنده را جبران نمودند و بعد فرمودند که: "البته مصطفی قصد نداشته که به شما اعتراض کند؛ قصدش تذکری بوده، آن هم برای اینکه در صورت تغییر ولو ظاهری عبارات و کلمات که با حسن نیت و قصد خیر جناب‌عالی همراه است، ممکن است این باب مفتوح شود و دیگران هم بخواهند در نقل مطالب ما تصرفاتی بکنند و این موجب مشکلاتی می‌شود. و لذا بهتر است که همان متن ویرایش نشده را جناب‌عالی بدهید چاپ کنند." و سپس دعا کردند: "آن‌شاءالله خداوند شما را توفیق دهد..."

\*\*\*

اصولاً بنده یکی از افرادی بودم که در چاپ اعلامیه‌های امام و بعضی دیگر از مراجع، نقش رابط را با آقا سید یحیی برقی - مدیر چاپخانه حکمت - به عهده داشتم و این بود که فوراً متن بیانات ویرایش نشده را به آقای برقی رساندم و هزینه چاپ آن را هم که نوعاً به علت خطرناک بودن اقدام، بیشتر از مطالب عادی بود، طبق معمول از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گرفتم و به ایشان دادم.

بیانات چون مفصل بود، به شکل رساله‌ای در ۳۰ صفحه چاپ شد و آقای برقی طی تماسی به من پیغام داد که: "مکتب اسلام حاضر است، بیایید ببرید!" و این رمزی بود بین بنده و ایشان، و چون مجله مکتب اسلام هم در



معرفی کن. این خمینی است، تا ما بگوییم علیه‌اللعنه! یا سایر علماء اسلامند؟ معرفی کن. نشان بده. علمای طراز اول ما چند نفر اینجا هستند، خداوند همه را حفظ کند. (آمین حضار) در تهران هستند، خداوند حفظشان کند. (آمین حضار) در مشهد هستند، خداوند حفظشان کند. (آمین حضار) در نجف هستند، خداوند حفظشان کند. (آمین حضار) در سایر بلاد مسلمین هستند، خداوند همه را تأیید کند (آمین جمعیت).

اینها علماء اسلام. پس آن علمایی که با شما یک قرارداد سری کرده‌اند در ماوراء جونند؟ خوب اسم ببرید. آقا اگر مردی که اسم ببر، بگو خمینی بود. ما در حبس پیش او رفتیم و او گفت: بر گذشته‌ها صلوات!

خمینی غلط می‌کند که برخلاف دین اسلام چنین حرفی بزند. خمینی می‌تواند با ظلم تفاهم کند؟! غلط می‌کند! خمینی در حبس هم که بود، مجد اسلام را حفظ می‌کرد. می‌تواند حفظ نکند؟ اسلامی را که پیغمبر اسلام اینقدر زحمتش را کشیده است، ائمه هدی اینقدر خون

دل برایش خورده‌اند. علماء اسلام اینقدر زحمتش را کشیده‌اند! خمینی و امثال خمینی می‌توانند چیزی بگویند که برخلاف مصالح اسلام باشد؟ خمینی را از جامعه بیرون می‌کنیم. اینها نقشه این را کشیده‌اند که علماء اسلام را به مردم معرفی کنند به اینکه آنها هم مثل خودشان هستند! خودشان مرفوض جامعه هستند، می‌خواهند ما را هم مرفوض کنند. جامعه خودشان را نمی‌پذیرد، می‌خواهند ما را هم نپذیرد. می‌خواهند ما را با این نقشه مشغول، منفور جامعه کنند تا با صبر و راحت تبعیت از اربابها کنند. کاش تبعیت از ارباب بود! می‌خواهند از اسرائیل تبعیت کنند! وامصیبت! مگر من می‌توانم با یک مجلس یا دو مجلس و چهار مجلس مفسد این مملکت را بگویم؟ من امروز حالم هم خوب نیست. دیشب خوابیم هم خیلی کم بوده است، یک سلسله مطالب کلی باید گفته بشود. ما حق دفاع از خودمان نداریم؟! پیش مدیر اطلاعات رفتند که: آقا، کی به شما این مطلب را گفته است؟ خوب، بگویید تا ما هم بفهمیم که این روحانی کیست؟ این روحانی سازمانی کجاست که با شما تفاهم کرده است و مطالب شما را که برخلاف دین اسلام است قبول کرده است؟ بیچاره خجل شده بود گفته بود: من اینجا نبودم، به فلانی بگویید. بخشید! چه، چه، چه! یک شرح مفصلی از این حرفها: و من سرمقاله‌ام حاضر است، سرمقاله را به آن آقا نشان داده بود که: ما این را نوشته بودیم، ولی از بعضی مقامات دستور دادند که باید این را بنویسی (و عین نوشته آنها ضمیمه پرونده است) الزام است، من چه بکنم؟

من یک تکلیفی برای او معین می‌کنم و یک مطلبی برای خودمان می‌گویم. اگر چنانچه مدیر اطلاعات یک آدمی است که از این تحمیلات متأسف است، باید به او گفت: خوب شما دیگر بحمدالله متمولی، احتیاج نداری، دست از روزنامه‌نگاری ات بردار، بشو وزیر! بحمدالله اینجا همه وزیر می‌شوند! خوب بشو وزیر، بشو وکیل! گرچه مردم نمی‌کنند، بالاخره خودشان وکیل می‌کنند. لازم نیست مردم وکیل بکنند، مگر مردم حق انتخاب وکیل دارند؟! منتصبت می‌کنند! اگر تو از این معنی عار داری که یک چیزی را بر تو تحمیل کنند، آسان است. این روزنامه‌نگاری را که بر شما الزام نمی‌کنند، دست از روزنامه‌تان بردارید. بروید یک شغل بهتری تهیه کنید.

از آن طرف من پیغام دادم که: باید این

نمی‌خواهند اینقدر سم پاشی کنند.

خوب، شما آقایان ملت ایران! سرمقاله روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۱۸ فروردین را ملاحظه فرمودید. ملاحظه فرمودید که اینها چه نقشه‌ای کشیده بودند. اینها دیدند که با زور و قلدری و با سرنیزه - و با پانزده خرداد درست کردن، و با مدرسه فیضیه خراب کردن، و با مدرسه طالبیه خراب کردن، و با تبعید کردن، و با اخراج کردن، و با حبس کردن، نمی‌شود پیش برد؛ اینها هرچه کردند، گندش بالا آمد. آنقدر بالا آمد که او هم فهمید، همه فهمیدند. اینها دیدند که خیلی بد شد، دنیا اعتراض کرد، پانزده خرداد روی دولت‌ها را سیاه کرد. ما نمی‌خواستیم. اینقدر روسیاهی بار بیاید.

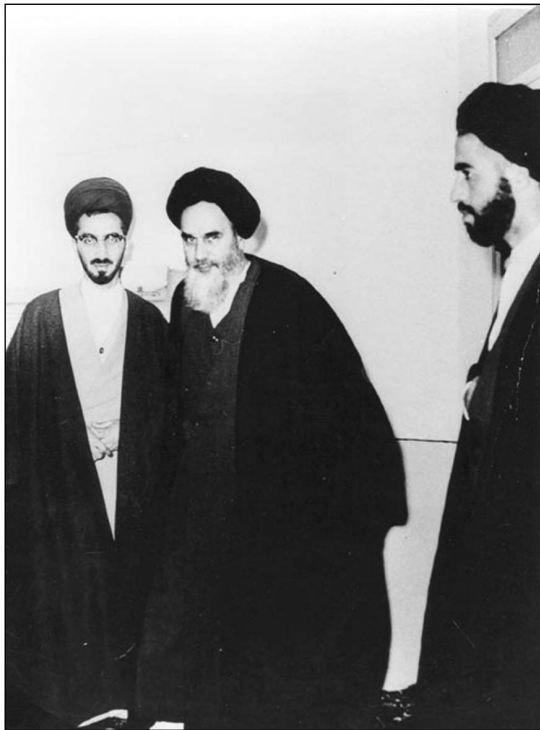
پانزده خرداد ننگی بر دامن این مملکت گذاشت که تا آخر

محو نخواهد شد. تاریخ این حادثه را ضبط می‌کند. خودشان هم گفتند: پانزده خرداد ننگ بود. من هم می‌گویم که ننگ بود، لکن نکته را نگفتند؛ من نکته را می‌گویم: ننگ بود که مسلسل‌ها را، تانک‌ها را، توپها را، تفنگ‌ها را، از مال این ملت فقیر به دست آوردند و بر روی این ملت فقیر بستند و این بیچاره‌ها را پامال کردند. آیا از این ننگ بالاتر می‌شود که انسان ملت را این طور پامال کند! مگر این بیچاره‌ها چه کرده بودند؟ آخر چه کرده بودند؟ ما یک سلسله نصایح کردیم. نصیحت که اینقدر تبعات نداشت! ما یک مطالب منطقی و قانونی داریم: آیا شما قانون اساسی را قبول ندارید؟ پس بگویید آقای رئیس دولت بروند در مجلس و بگویند: قانون اساسی را قبول نداریم. خوب باز برگردند به قهقری، به هر جا می‌خواهند. ما که می‌گوییم: به قانون اساسی عمل کنید، ما مرتجعیم؟! شمای که دسته جمعی مردم را حبس می‌کنید، تبعید می‌کنید، سلولهای شما پر است از حبسی‌ها، از علماء، از اساتید، از محترمین، از متدینین، بندرعباس پر است از تبعیدشدگان، برای اینکه اینها گفته‌اند: ما نمی‌خواهیم اسیر مردم باشیم، اسیر استعمار باشیم. شما مرتجع نیستید؟! آخر به ما چه می‌گویند؟ ما مرتجعیم که می‌گوییم به قانون اساسی عمل کنید؟! قانون اساسی را میان بگذارید، همه عمل کنیم. این را که قبول دارید. ما می‌گوییم: بدین عمل کنید، شما می‌گویید پیغمبر اکرم مرتجع است. نعوذبالله! اگر چه در لفظ نمی‌گویید، ولی معنایش این است.

قانون اساسی را که قبول دارید (ولو سابقاً) زمره می‌کردند که این قانون مال پنجاه سال پیش از این است، قانون اساسی که قضیه پنجاه سال پیش از این ندارد. قانون اساسی می‌گوید: ملت باید آزاد باشند؛ کشور ایران باید مردمش آزاد باشند؛ مطبوعات باید آزاد باشند؛ هیچ کس حق ندارد جلو قلم را بگیرد.

شما دیدید که روزنامه اطلاعات در روز سه‌شنبه ۱۸ فروردین نوشت (بعضی مجلات هم نوشته بودند، لکن اطلاعات بیشتر منتشر می‌شود) نوشت: "جای خوشوقتی است که مقامات روحانی در انقلاب شاه و ملت با دولت موافقت کردند!"

رفتند اعتراض کردند که: آقا! این روحانی را



▲ امام خمینی، استاد سید هادی خسروشاهی، آیت‌الله سید مهدی دروازه‌ای

است. اگر اسلام را قبول دارید، این احکام اسلام است، کجایش ارتجاع است؟! بفرمائید کجای احکام اسلام را آقایان ارتجاع سیاه می‌دانند؟! بفرمایند بیاینده تفاهم کنند.

آخر این که تو بروی آنجا برای خودت صحبت بکنی، و هر جا پیش می‌آید یک نحو صحبتی بکنی و هی بگویی: "ما کهنه پرستی را می‌گوییم، چنان می‌کنیم، رجزبخوانی، اینکه نمی‌شود. خوب، بیابنشین بگو: آقا اینکه پیغمبر فرموده است، این ارتجاع سیاه است، تا ما ببینیم که شما درست می‌فرمائید؟ تا اثبات کنیم خیر، ارتجاع نیست."

ما می‌گوییم: آقا! غلام حلقه به گوش دیگران نباشید. ما عزت و شرف شما را می‌خواهیم. ما به شما نصیحت می‌کنیم که شما دولت اسلام هستید، به اصطلاح هیأت حاکمه مسلمین هستید، شما عزیز باشید، آقاباشید، بزرگ باشید، استقلال را حفظ کنید، از تبعیت دست بردارید، دستتان را برای چهار دلار دراز نکنید. شما هر جلسه‌ای که تشکیل می‌دهید، هی می‌گویید دلار بده! ما با این چیزها مخالفیم. اگر این ارتجاع است، ما مرتجعیم و اگر آن تمدن است، شما تمدن!

اگر شما به قوانین اسلام اعتقاد دارید، این قوانین اسلام، و اگر به قانون اساسی اتکا دارید، قانون اساسی به مردم آزادی داده است. قانون از این زورگویی‌ها منع کرده است. ما می‌گوییم: شما بیایید به قانون عمل کنید، قانون اساسی را جلو می‌گذاریم، شما یک نماینده‌ای بفرستید، ما هم یک نماینده‌ای می‌فرستیم. شما که می‌گویید: ما قانونی هستیم، دموکرات هستیم، شما که می‌گویید: ما جلورفته هستیم، مترقی هستیم؛ این قانون اساسی ماست؛ آن را میان می‌گذاریم. به قانون اساسی عمل کنید. اگر ما حرفی زدیم، به این متمم قانون اساسی عمل کنید که علماء اسلام در صدر مشروطیت برای گرفتن آن و رفع اسارت ملت جان دادند. شما بنشینید به این قانون اساسی عمل کنید.

قانون اساسی مطبوعات را آزاد کرده است. شما آزاد می‌کنید؟! ما مرتجعیم که می‌گوییم: بگذارید به قانون اساسی عمل بشود بگذارید مطبوعات آزاد باشند - بگذارید که روی عقیده خودشان چیزی بنویسند - گرچه خودشان هم خبیث‌اند، لکن با جمیع جنایتشان باز

قطع شده با افسردگی‌ها، اینها علامت تمدن آقایان است و ارتجاع ما! افسوس که دست ما از عالم کوتاه است: افسوس که صدای ما به عالم نمی‌رسد. افسوس که گریه‌های این مادرهای بچه مرده به دنیا نمی‌رسد. (گریه شدید جمعیت) ما را کهنه پرست معرفی می‌کنند! ما را مرتجع معرفی می‌کنند! علماء اسلام را به ارتجاع سیاه؛ تعبیر می‌کنند! جراثیم خارج از ایران، آنهایی که با بودجه‌های گزاف برای کوبیدن ما مهیا شده‌اند، در خارج ما را مخالف اصلاحات (با اینکه اسلام در رأس اصلاحات واقع شده است) معرفی می‌کنند! مخالف ترقی مملکت معرفی می‌کنند! می‌گویند: آخوندها باز می‌خواهند الاغ سوار بشوند، و از این طرف به آن طرف بروند، آخوندها می‌گویند که برق نمی‌خواهیم؛ می‌گویند طیاره نمی‌خواهیم، اینها مرتجع هستند، اینها می‌خواهند به قرون وسطی برگردند!

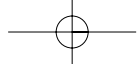
آخوندها با این سیاه روزی‌ها که نصیب مملکت است، مخالفند؛ این کهنه پرستی است؟! علماء اعلام با این زندها، کشتن‌ها، قلدری‌ها، دیکتاتوری‌ها، استبدادها مخالفند؛ این کهنه پرستی است؟! علماء اسلام در صدر مشروطیت در مقابل استبداد سیاه ایستادند برای ملت آزادی گرفتند؛ قوانین جعل کردند؛ قوانینی که به نفع ملت است، به نفع استقلال کشور است، به نفع اسلام است، قوانین اسلام است، این آزادی را با خونهای خودشان، با زجرهایی که کشیدند؛ با بیچارگی‌هایی که متوجه به آنها شد، گرفتند. این آخوندها مرتجع هستند؟!!

امروز هم روحانیت قیام کرده است؛ نهضت کرده است، ملت به تبع روحانیت نهضت کرده است؛ ملت‌های اسلام بیدار شده‌اند، نهضت کرده‌اند؛ خواسته‌های روحانیت؛ عمل به قوانین اسلام است. این ارتجاع است؟ رسول اکرم (ص) مرتجع بود؟! قوانین آسمانی، قوانین الهی که ما برای آنها اینقدر اهانت می‌بینیم؛ زجر می‌کشیم؛ دعوت به عمل کردن قوانین آسمانی، ارتجاع است؟! خدای تبارک و تعالی مرتجع است؟! جبرئیل آمین، واسطه وحی الهی مرتجع است؟! پیغمبر اکرم مرتجع است؟! ائمه هدی مرتجع هستند؟! علماء از صدر اسلام تا امروز که از خودشان چیزی ندارند، اینها قوانین اسلام و قوانین وحی را به مردم ابلاغ می‌کنند. ابلاغ قوانین الهی ارتجاع است؟!!

شما اگر چنانچه به احکام اسلام اعتقاد دارید، این احکام اسلام انسان را آزاد قرار داده است. انسان را مسلط بر خودش و بر جانش و بر نوامیسش ساخته است، می‌گوید: هر انسانی در مسکن آزاد است، در مشروب و مأکول آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد آزاد است. در مشی آزاد است، حکم اسلام است که اگر کسی به منزل کسی حمله برد، برای آن کسی که مورد حمله واقع شده است کشتن حمله‌کننده جایز است. اسلام که اینقدر با آزادیها موافق است، ارتجاع سیاه است؟!!

علماء اسلام که از خودشان چیزی ندارند، ما که خودمان حرفی نداریم ما هرچه می‌گوییم، قال رسول الله "می‌گوییم، رسول الله هم قال الله" می‌فرماید. اگر ما مرتجعیم، معلوم می‌شود رسول الله مرتجع است! اگر شما ما را کهنه پرست می‌دانید، ما که از خودمان حرفی نداریم، ما می‌گوییم "قال الله تعالی"، ما می‌گوییم "قال رسول الله". پس شما رسول الله را کهنه پرست می‌دانید. اف بر این تجدد!

اگر اسلام را که همه ما تبع او هستیم قبول دارید، و اسلام سرمنشأ همه آزادی‌ها، همه آزادی‌ها، همه بزرگی‌ها، همه استقلال‌ها



چیزی نداریم. این مدارس ما همه موجود، این منازل ما همه موجود، بیائید ببینید. اگر شما دیدید که تمام بودجه سالیانه ما که این ملت اسلام، این ملت فقیر با تمام اخلاص برای حفظ اساس احکام اسلام به ما می‌دهد، به قدر یک مهمانی، یک مهمانی که یک نفر از خارج وارد می‌شود و دولت‌ها مهمانش می‌کنند؛ بود، بگوئید تف بر شما مرتجعین!

ما می‌گوئیم بابا! بودجه مملکت را اینقدر خرج نکنید. اینقدر مهمانی می‌کنید چه؟ این ارتجاع است که ما می‌گوئیم شما آقا باشید، اینقدر دست پیش مردم دراز نکنید؛ اینقدر خرج نکنید تا محتاج دیگران شوید، خرجهای بی‌جا نکنید؟! این سازمانهای عریض و طویل درست کردن لازم نیست. شما به احکام اسلام اعتقاد پیدا کنید، ما همه جزو سازمان شما، همه ملت همه ملت جزو شما، مگر به این ملت پولی داده‌ایم که با ما دوستند؟ مگر ما به این ملت رشوه‌ای داده‌ایم که با ما رفیقند؟ اینها ما را می‌خواهند اینها فهمیده‌اند و اعتقاد به این معنی پیدا کرده‌اند که این آقایان این مراجع بزرگ اسلام این طلبه‌خیمینی مردم را می‌خواهند، مردم را دوست می‌دارند، صلاح حال ملت را می‌خواهند. این اعتقاد در قلب مردم است؛ انسان هم تابع احساسات قلبی خود است.

شما بیائید نصیحت مرا گوش کنید؛ همان طوری که من به این اشخاصی که می‌آمدند این مطلب را کراراً گفتم که: آقا، تا حالا دیدید که با زجر، با کتک، با حبس، با شکنجه، با تبعید، با اهانت، با همه این امور بردی نکردید؛ دیدید که ملت عصبانی می‌شود؛ نمی‌شود یک ملت را آخر زیر چکمه نگه داشت؛ این را دیدید، بیائید یک قدری تغییر مشی بدهید. تجربه بکنید؛ آخر شما اشخاصی هستید که ادعای عقل می‌کنید؛ تجربه کنید! یک دفعه هم آن ورق را پیش بیاورید، به مردم تلافی کنید، به مردم تواضع کنید. آقا دولت مال مردم است بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولت‌ها خدمتگزار مردم‌اند؛ پس لفظاً نگوئید ما خدمتگزاریم و عملاً توی سر مردم بزیند و اربابهای بیچاره‌تان را پامال کنید!

خوب شما از بودجه این مملکت دارید ارتزاق می‌کنید. دارید زندگی می‌کنید؛ هر جوری هم دلتان می‌خواهد، زندگی می‌کنید. خوب زندگی مرفه شما پیشکش شما. ما اصلاً نمی‌توانیم زندگی اینها را تعقل کنیم. شما خیال می‌کنید می‌توانید بفهمید اینها چه جور زندگی می‌کنند؛ اصلاً ما نمی‌توانیم تعقل بکنیم. ما در ذهنمان این مطلب وارد نشده است که یک طیاره از اینجا به هلند برود و برای یک مهمانی گل بیاورد و تنها ۳۰۰ هزار تومان کرایه طیاره باشد! اینها چیزهایی است که من شنیده‌ام. من که خودم طیاره چی نبوده‌ام که ببینم. اینها چیزهایی است که معروف است و گفته می‌شود ما تعیش اینها را تعقل نمی‌کنیم. آقایان! اینها پیشکش شما. مگر شما از بودجه این مملکت، از مال این ملت، از دسترنج این کارگر، از دسترنج این زارع ارتزاق نمی‌کنید؟ شمائی که اینقدر دلسوزید برای این زارع، دلسوزید برای این کارگر، بگذارید قدری از این نرفه‌تان به طرف بیچاره‌ها بلغزد.

در این زمستان گذشته تقریباً با یک میلیون تومان می‌شد این بیچاره‌ها را نجات داد. این مبلغ مثل قطره‌ای است نسبت به دریا. یک قدری هم از این چیزهایی که از این ملت به دست آورده‌اید، پخش کنید تا دیگر محتاج به این خرجها و این سازمانهای عریض و طویل نباشید. آنها بروند سراغ کارشان؛ اینقدر تن‌پرور نباشند، اینقدر مفتخور نباشند، هی آنجا بایستند و

کنیم و ببینیم که آیا این علماء عظام اسلام کهنه‌پرست هستند یا شماها. آنها می‌گفتند: اینقدر بر این ملت این بیچاره‌های گدا تحمیل نکنید. این مملکت مترقی است که امسال زمستانش دل ما را خون کرد. آن اصفهان‌ش، آن همدانش، آن تهران، و آن قمش، آن جاهای دیگرش. در این سرمای کشنده، هیچ فکری برای این بیچاره‌ها کردید؟ به من اطلاع دادند که امسال در همدان بیش از دو هزار نفر در سرمای چهل و سه درجه و دو درجه زیر صفر مرده‌اند!



▲ امام خمینی در کنار آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی در قم (منزل استاد سید هادی خسروشاهی)

عکس‌ها از سمت راست: شیخ حسن صناعی، سید مهدی دروازه‌ای، سید بیوک اهری، شیخ عیسی اهری، سید هادی خسروشاهی

ای مملکت مترقی! ای آقایانی که مملکتان ترقی کرده! شما هیچ فکری برای اینها کردید؟ ما می‌خواهیم مملکت ما واقعاً مترقی باشد، فکری برای این بیچاره‌ها بکنید. اینها هم گرسنگی بخورند، هم تو سری؟ هم پابرهنه راه بروند و هم شما شلاق بر سرشان بزیند؟ خوب ما می‌گوئیم: این طور نکنید. این ارتجاع است که می‌گوئیم: اینقدر فشار به مردم نیاورید، اینقدر کتک زنید، اینقدر فحش ندهید؟! اینها ارتجاع است؟!!

شما که عمال استبداد هستید و دارید با زور و سرنیزه و قلدری و هر جور دلتان می‌خواهد، با این ملت بیچاره عمل می‌کنید، تمام قوانین را زیر پای خودتان گذاشته‌اید، به تمام احکام اسلام بی

صدایمان از این بلندگو تا آنجا می‌رسد؛ اما آنها صدایشان از اینجا تا آمریکا می‌رسد. مال این ملت را خرج می‌کنند و در مطبوعات خارج بر ضد روحانیت بر ضد اسلام بر ضد ملیت بر ضد همه چیز ما مقالات می‌نویسند.

این مطالب به من می‌رسید. اینها خطا کردند که مرا رها کردند. آنجا هم گفتم؛ گفتم: اگر می‌خواهید همان رویه را داشته باشید، بگذارید من اینجا باشم. صلاح است دوباره هیاهو به راه نیندازید. حالا هم می‌گوییم: آقا! ما مرتجع

نیستیم به این معنی که شما می‌گویید. ما با آثار تمدن مخالف نیستیم. اسلام با آثار تمدن مخالف نیست. اسلام از خدا می‌خواهد که شما بر همه مقدرات عالم حکومت کنید. اسلام آن بود که شمشیر را کشید و تقریباً نصف دنیا یا بیشتر را گرفت (تا ملتها را از توحش نجات بدهد) این اسلام مرتجع است؟! اسلام آن بود که این ممالکی را که شما حالا تحت اسارت او هستید، تحت اسارت آورد.

آنها که فی‌الجمله به احکام اسلام عمل می‌کردند، چنین پیش بردند. البته حکومت‌های اسلامی تا حالا به استثناء یکی دو تاشان به احکام اسلام عمل نکردند. مع ذلک همین که خودشان

**من یک نصیحت می‌کنم به طلاب جوان که تازه آمده‌اند وحاد و تندند؛ و آن این است که: آقایان متوجه باشید؛ اگر چنانچه کسی به یک نفر از مراجع اسلام شطر کلمه‌ای اهانت کند، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود.**

اعتنایی می‌کنید، شما مترقی هستید؟! ما که می‌گوئیم به احکام اسلام عمل کنید، به قانون اساسی عمل کنید، ما مرتجعیم؟!!

واقعاً خنده دارد. می‌خواهند آقایان دانشگاه اسلامی تأسیس کنند. شنیده‌ام چندین میلیون هم بودجه برایش درست کرده‌اند. شما اگر برای اسلام دلسوز هستید، خوب، این دانشگاه اسلامی (اشاره به مدرسه فیضیه) چرا خرابش می‌کنید؟! اگر شما واقعاً متوجه شده‌اید که اسلام وجودش لازم است، احکام اسلام باید باقی باشد، علماء اسلام باید باقی باشند، ما به خیر شما هیچ امیدی نداریم، به ما شر نرسانید! بگذارید ما برای شما خدمت کنیم. ما یک شاهی بودجه مملکت را بحمدالله صرف نمی‌کنیم. ما با این بیچارگی و با این وضع ساخته‌ایم.

هرکس می‌خواهد، برود ببیند این طلاب علوم دینی اسلام، بروید مکانشان را ببینید. بروید زندگی‌شان را ببینید. از زندگی قبل از غارتشان هم (غارت مدرسه فیضیه) جويا شوید. اینها می‌خواستند ببرند، والا این گلیم کهنه ما به درد نمی‌خورد. اینها می‌خواستند اذیت کنند، والا یک گلیم کهنه و یک سماور شکسته حلی به درد اینها می‌خورد؟ خوب بروید ببینید ما که مخفی

را زیر بیرق اسلام می‌دانستند، همین که خودشان را وابسته به اسلام می‌دانستند؛ همین که به حسب ظاهر به احکام اسلام عمل می‌کردند، این چنین قدرتی پیدا کردند.

این افکار نورانی که در علماء اعلام ما هست، در مراجع بزرگ ما هست، به واسطه نور اسلام است. این افکار نورانی که در رجال عظیم‌الشان ما هست، هر جا باشند، مال اسلام است. این افکار پوسیده؛ این کهنه‌پرستی‌هایی که آقایان دارند، تبعیت از همه، سر بسته و در بسته همه مخازن مملکت را تحویل دیگران دادن؛ این ارتجاع است. روی این ارتجاع سیاه!

دیروز از طرف نخست‌وزیر هم فرستادند که: بله، عفو از شماست، اشتباه شده است، خطا شده است. یک اشتباهی شده عفو بکنید. مبادا یک وقتی تشنجی بشود. مبادا یک وقتی وضع دیگری پیش بیاید، چه بشود، چه نشود. ما می‌خواهیم که چه باشد، ما تابعیم... از این مطالبی که همیشه گفته می‌شود.

ما هم گفتیم که: خوب حالا روزنامه اطلاعات که می‌گوید بی‌تقصیرم و شماها این کار را کرده‌اید، شما هم این طور می‌گوئید، باید او ملتزم بشود. شما هم قول بدهید که دیگر این مطالب تکرار نشود. تا ما هم مجبور نشویم که مطلب را یکبار از هم باز

درست بشود. باید این تکذیب بشود. دیشب باز کسی آمده بود و می‌گفت که او به دستگاه گفته که: من نمی‌توانم با ملت مواجه بشوم، نمی‌توانم با روحانیت مواجه بشوم. فکری بکنید من یک سوژه‌ای درست می‌کنم که تکذیب بشود. دستگاه گفته که: این دلیل بر سستی کار ماست. خوب؛ ما مرتجعیم یا شما؟!!

آخر ما که مرده نیستیم که شما یک دروغی را به ما نسبت می‌دهید. ما بحمدالله جمعیت کنیری از علما داریم؛ ما مراجع بزرگ داریم؛ ما مراجع بزرگ عالی‌الشان داریم؛ ما در بلاد علما داریم؛ ما در حوزه‌ها فضلا داریم؛ ما در مراکز علمی مدرسین بزرگ داریم؛ ما طلاب و فضلاء علوم دینی داریم. اینها که نمی‌نشینند گوش کنند که کسی در روزنامه کثیرالانتشار بنویسد: بحمدالله موافقت کردند. ما داد می‌کنیم، فریاد می‌کنیم، گرچه نمی‌گذارند منعکس بشود.

خوب آقا! آقایی که دیروز یا دیشب گفتی که: جلوه کهنه‌پرستی را می‌گیریم، این کهنه‌پرستی نیست که شما جلو مطبوعات را می‌گیرید و بر روزنامه اطلاعات تحمیل می‌کنید؛ ما سند داریم دیگر، اینکه یک چیزی دروغی نیست که آقایان بگویند افترا بستی. نوشته شما سنجاق کرده در دفتر روزنامه اطلاعات است که شما گفته‌اید: باید این را بنویسد و نگذاشته‌اید تکذیب کند.

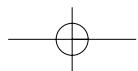
ما حرفمان این است که به قانون اساسی عمل کنید. مطبوعات آزادند، قلم آزاد است. بگذارید مطالب را بنویسند. اگر دین دارید، به دین عمل کنید. اگر چنانچه دین را ارتجاع می‌دانید، به قانون اساسی عمل کنید. خوب بگذارید بنویسند.

[مدیر اطلاعات] به دست و پا افتاد و من به او پیغام دادم که: من از آن آدمها نیستم که اگر یک حکمی کردم، بنشینم چرت بزنم. من دنبالش راه می‌افتم. اگر خدای نخواست یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم. و بحمدالله تعالی از هیچ چیز نمی‌ترسم. والله تا حالا ترسیده‌ام. آن روز هم که مرا می‌بردند، آنها می‌ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می‌دادم که: نترسید!

آخر اگر ما برای مقصد اسلامی برای مقصدی که انبیاء خودشان را به آب و آتش زدند، اولیاء عظام خودشان را به کشتن دادند، علماء بزرگ اسلام را به خاطر آن آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبس‌های طولانی کردند، اگر چنانچه برای این مقصد بزرگ برترسیم، دین نداریم. دیندار هم برای اینکه خرقه را از این عالم خالی کنند، می‌ترسد؟!!

اگر ما به ماورای این عالم اعتقاد داشته باشیم، باید شکر کنیم که در راه خدا کشته بشویم و به صف شهدا ملحق گردیم. می‌ترسیم؟! از چه چیز می‌ترسیم؟ آن باید ترسد که غیر از این عالم جایی ندارد. الحمدلله خدای تبارک و تعالی به ما وعده داده که چنانچه بدین من رفتار کنید، جای خوبی داریم ما امیدواریم که رفتار کنیم. ما از چه می‌ترسیم؟ ما ترسی از شما داریم؟ نهایت این است که شما ما را اعدام کنید، تازه اول زندگی راحت ماست! از این کثافت کاریها بیرون می‌رویم؛ از این رنج و محنت خلاص می‌شویم. آقای ما فرمود: وَ اللَّهُ لَابِنِ ابِطَالِبِ أَنَسٍ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِنْدَى امَةٍ اِیْشَانِ فَرْمُودَنْدِ مَا لِبْتِهْ نَمِیْ تَوَانِمِ چَیْنِ اِدْعَائِیْ بَکْنِمِ، لَکِنِ مَا شَبِیْعَهْ اَوْ هَسْتِمِ. ما اگر از مرگ برترسیم، معنایش این است که ماوراء الطبیعه را قبول نداریم!

ما که می‌گوییم مطبوعات آزاد باشند، ما کهنه‌پرستیم؟! آقایان که الزام می‌کنند در مطبوعات چنین و چنان نوشته شود؛ آنها مترقی‌اند! خوب ما





## نظرها و اندیشه‌ها

### نیمه دوم آذر ماه - شماره ۱۷ - ۹

شکست داد؟ مگر ما می‌گذاریم شما دانشگاه اسلامی درست کنید؟ ما آن کس را که در این دانشگاه وارد شود، تفسیق می‌کنیم و میان ملت از بین خواهد رفت. مگر اینکه می‌تواند که اسلام و مسلمین و علماء اسلام را تحت نظر وزارت فرهنگ قرار بدهند! غلط می‌کند آن وزارت فرهنگی که در امر دیانت و اسلام دخالت می‌کند. مگر ما می‌گذاریم این مطالب بشود، مگر آنکه خمینی بمیرد، نعوذبالله مراجع اسلام هم خدای نخواستہ از بین بروند!

وقتی ما رفتیم، دیگر تکلیفی نداریم، لکن ملت اسلام هست. ملت اسلام باز زنده است. الان زندگی را از سر گرفته است، بارک‌الله فیکم! ملت اسلام دیگر بیدار شد. دیگر نمی‌نشینند. اگر من هم برگردم، ملت اسلام بر نمی‌گردد. اشتباه نکنید! اگر خمینی هم با شما سازش کند، ملت اسلام با شما سازش نمی‌کند! اشتباه نکنید! ما در همان سنگری که بودیم، هستیم، با تمام تصویبنامه‌های مخالف اسلام که گذشته است، مخالفیم. با تمام زورگوئی‌ها مخالفیم؛ با تمام فشارهایی که بر ملت وارد می‌آید، مخالفیم، با حبس کردن اشخاص بی‌گناه مخالفیم.

ما مرتجع هستیم که می‌گوئیم: بابا، این بیچاره‌ها را به بندرعباس نفرستید؟ آخر چه کردند آن بیچاره‌ها را که اعدام کردید؟ چه کردند اینها را که به بندرعباس فرستادید؟ چه کردند اینها را که به حبس انداختید! جز اینکه این بیچاره‌ها گفتند: بابا، به قانون عمل کنید، بیائید به قانون عمل کنید؟ بزرگهاشان گفتند به قانون رفتار کنید. این بیچاره کوچکترها هم که تبع مسلمین و تبع اسلام‌اند. فرض کنید یک کلمه هم گفته باشند، حالا به یک گفتن، باید تا آخر عمر این بیچاره در بندرعباس به سر ببرد؟

آقا! یک قدری خودتان را اصلاح کنید؛ یک قدری از این حال ارتجاع بیرون بیائید. یک قدری از این حال بربریت بیرون بیائید! یک قدری از این کارهای قرون وسطایی دست بردارید! اینقدر مرتجع نباشید! متمدن باشید. مملکت را ترقی دهید. به افراد مملکت احترام بگذارید. مردم را اینقدر بیچاره بار نیارید. دانشگاه‌های شما طوری نباشد که برنامه‌هایش جوانهای ما را بد بار بیاورد، جوان‌های ما را مبارز بار بیاورید. جوان‌های ما را جوری بار بیاورید که در مقابل استعمار ایستادگی کنند.

مای مرتجع اینها را می‌گوئیم. اگر ما مرتجعیم، بفرمائید شمای مترقی دارید دسته دسته این بیچاره‌ها این جوان‌های ما را از بین می‌برد. مدارستان مدارس صحیحی نیست که انسان بتواند به آنها اطمینان داشته باشد. برنامه‌هایتان برنامه‌های استعماری است. همه‌اش بازی، همه‌اش فوتبال، همه‌اش چی! آیا سایر ممالک هم این طوری هستند؟ پس اتم را کی کشف کرده؟ پس این طیاره‌ها را کی درست کرده؟ لوله همین قم، این لوله‌ای که برای آب قم درست کردند، چون ایران درست کرده، قابل استعمال نیست. ای مملکت مترقی! تو از لوله‌نگ‌سازی هم بالا نرفتی! رزم آرا گفت: ما به غیر از لوله‌نگ‌سازی، چیزی بلد نیستیم! این مملکت مترقی است که الان نسبت به هر چیزش به خارج احتیاج دارد، از اسرائیل کارشناس می‌آورد! به اسرائیل می‌فرستد که یاد بگیرند! امسال از همین قم اشخاصی رفته‌اند؛ یعنی آنها را فرستاده‌اند (مثل اینکه در روزنامه استوار هم بود)، فرستاده‌اند که بروند در آنجا چیز یاد بگیرند! از آنها باید تقلب یاد بگیرند! از آنها باید خدعه و فریب یاد بگیرند! چه چیز می‌خواهند یاد بگیرند؟

شدند که بعد تشکر را عرض می‌کنم؛ اینها با الاغ رفتند؟ اینها با آثار تمدن مخالفند؟!

#### روحانیت پشتوانهٔ مملکت است

ما می‌گوئیم: این طور نکنید. خوب؛ ما همه از هم هستیم، اهل یک مملکت هستیم؛ چرا می‌خواهید ما را بشکنید؟! ما مجاناً پشتوانهٔ این مملکت هستیم، هیچ تحمیلی بر بودجهٔ شما نداریم. با این کتک‌ها، با این حبس‌ها، با این زجرها، با این اهانت‌ها، با این فحش‌ها می‌سازیم و برای این مملکت یک استوانه هستیم. اگر خدای نخواستہ یک خطری برای مملکت پیش بیاید، ما در مقابل آن ایستاده‌ایم و نمی‌ترسیم. روحانیون همیشه استقلال مملکت و تمامیت ارضی آن را طالب و از تجاوز هرکس به حدود کشور متنفرند و در موقع خود جلوگیری می‌کنند.

این آقایانی که می‌گفتند و می‌گویند که ما می‌خواهیم مملکت را حفظ کنیم، ما چطور هستیم و کذا، شما یادتان هست که وقتی متفقین آمدند اینجا، چطور فرار کردند؟ این بیچاره‌ها از تهران تا به یزد گریختند! اگر یک آخوند پیدا کردید که فرار کرده باشد؛ یک آخوند! یک آخوند!

آن روز که در آسمان تهران طیاره‌ها راه افتاده

**من دست تمام مراجع را می‌بوسم؛ تمام مراجع اینجا، نجف، مشهد، تهران و سایر بلاد. من دست همهٔ علماء اسلام می‌بوسم... همه باید شکر این نعمت را بگذاریم که چنین مراجع بزرگ داریم... توجه داشته باشید مبادا یک وقت یک اهانتی به یک مسلمی؛ یک اهانتی به یک مرجعی؛ یک اهانتی به یک مؤمنی بشود که خدای تبارک و تعالی راضی نیست...**

بودند و مردم را می‌ترساندند، من در تهران بودم. خدا رحمت کند مرحوم آشیخ حسین قمی رضوان‌الله علیه‌را. با ایشان در حوالی شاهپور بودیم؛ ایشان با کمال طمأنینه سبیل خود را چاق کرده بود، اصلاً کأنه خبری نیست. من هم مثل او آرام بودم، کأنه هیچ خبری نیست. این بیچاره‌ها، این نظامی‌ها که می‌گویند اینقدر ما کذا و کذا هستیم و برای مملکت چه می‌کنیم، اینها وقتی که پای استفاده و پای بردن منافع و پای زورگوئی در میان است، این طورند؛ خدا نکند که یک روزی ورق برگردد که اول کسی که فرار کند، از همین نشان‌دارها هستند و ما الحمدلله تا آخرش اینجا هستیم. مگر اینها بیایند و ما را بگیرند و ببرید، باز هم ما هستیم.

این دانشگاه اسلامی که آقایان می‌خواهند درست کنند، نه اینکه خیال کنید با اسلام آشتی کرده‌اند، خیر؛ قضیهٔ قرآنی است که در مقابل امیرالمؤمنین - سلام‌الله علیه - سر نیزه کردند. معاویه با حربهٔ قرآن امیرالمؤمنین را شکست داد، والا اگر چند ساعت دیگر جنگ ادامه داشت، آثاری از بنی‌امیه نمی‌ماند؛ لکن حيله کردند قرآن آوردند؛ گفتند: "ما مسلم، شما هم مسلم، اشهد ان الاله الا الله این هم قرآن!" هر چه حضرت امیر به این خوارج بدبخت احمق، مقدسین احمق که امام را شناخته بودند، فرمود: "صبر کنید، گفتند: "خیر؛ نمی‌شود قرآن در میان است. الحکم لله، نمی‌شود؛ نمی‌شود!" می‌خواستند حضرت امیر را بکشند، همین خوارج اصحاب حضرت بودند، انصار حضرت بودند. معاویه و یارانش حيله کردند قرآن را بر سر نیزه‌ها کردند که: "الحکم بیننا و بینکم کتب‌الله!" حضرت، کسی را پیش اصحابش که مشغول جنگ بودند، فرستاد که: برگردید. گفتند: مهلت بدهید، یک ساعت دیگر (به پیروزی) مانده. حضرت فرمود: "اینها مرا می‌کشند. دورم را گرفته‌اند، شمشیرها کشیده‌اند؛ اگر نیاید مرا می‌کشند!" با قرآن اسلام را شکست دادند!

مگر می‌شود با دانشگاه اسلامی، اسلام را

جوان نیرومند در این مملکت نباشد. استعمار است که برنامه‌های رادیو و تلویزیون را جوری تنظیم می‌کند که اعصاب مردم ضعیف بشود، قوت را از دست بدهند، نیرومندی را از دست بدهند. اینها کار استعمار است. ما با این مظاهر استعمار مخالفیم. آیا ما مرتجعیم و شما مترقی هستید؟! حرفهای ما حرفهای غیرمنطقی نیست، جنگ و دعوا ندارد آقا! بنشینید منطقی صحبت کنید. فحش ندارد بنشینید صحبت کنید؛ اشخاص عاقل را بفرستید، با ما تفاهم کنید؛ ببینیم که ما با کجای تمدن مخالفت داریم.

ما با فسادها مخالفت داریم. ما می‌گوئیم که برنامه‌های اصلاحی شما را اسرائیل برایتان درست می‌کند. شما وقتی می‌خواهید برنامه‌ای هم درست کنید، دستتان را پیش اسرائیل دراز می‌کنید. شما کارشناس نظامی از اسرائیل به این مملکت می‌آورید. شما محصلین را از اینجا به اسرائیل می‌فرستید. ای کاش به جاهای دیگر می‌فرستادند ای کاش به انگلستان می‌فرستادند، به آمریکا می‌فرستادند. به اسرائیل می‌فرستند! ما با اینها مخالفیم.

#### ملت ما با پیمان اسرائیل مخالف است

ما می‌گوئیم: آقا! جمیع ممالک اسلامی در

یک طرف مقابل کفر و اسرائیل صف کشیده‌اند؛ شما و دولت ترکیه هم در یک طرف و با اسرائیل موافقید! ما می‌گوئیم: این کار صلاح نیست. آقا اینقدر با عواطف ملل مخالفت نکنید، والله مضر است. تمام مسلمین یک طرف، مملکت ایران هم یک طرف؟! آن وقت ملت ایران آلوده می‌شود. آن وقت برادرهای سنی ما خیال می‌کنند که شیعه‌ها یهودی‌پرستند!

ای مردم عالم! بدانید ملت ما با پیمان اسرائیل مخالف است. این ملت ما نیست، این روحانیت ما نیست؛ دین ما اقتضا می‌کند که با دشمن اسلام موافقت نکنیم. قرآن ما اقتضا می‌کند که در مقابل صف مسلمین با دشمن اسلام هم پیوند نشویم. ما این حرفها را می‌زنیم. مرتجع هستیم؟!

آقا! بیائید بنشینیم ببینیم کجای این ارتجاع است. شما که به قول خودتان مملکت دو هزار و پانصد ساله دارید، وهی به استخوانهای پوسیده از بین رفته می‌نازید، و در مقابل اسلام می‌خواهید استخوانها را زیر خاک در آورید؛ حالا آخر عمری آمده‌اید در مقابل احکام اسلام و در مقابل مسلمین، با اسرائیل هم پیوند شده‌اید؟! ما وقتی می‌گوئیم با اسرائیل هم پیمان نشوید، حالا ما کذا پیوند کرده‌ایم و جوجو آمده چی آورده؟! تف بر این منطق سیاه! سیاه باد رویتان!

ما این حرفها را می‌زنیم. کجای این، کهنه‌پرستی است؟! ما در اعلام مرتبهٔ تمدن هستیم. اسلام در اعلام مرتبهٔ تمدن است. مراجع عالیقدر اسلام در اعلام مرتبهٔ تمدن هستند. خوب؛ بروید ایشان را ببینید؛ اینجا موجودند؛ مشهد موجودند؛ تهران موجودند؛ نجف موجودند. بروند ببینند کدام یک از آنها مرتجع هستند. آقایان علما خودشان با طیاره اینجا و آنجا می‌روند، بعد می‌گویند ملت با الاغ برود؟! مگر امسال نبود که یکی از مراجع با طیاره به مشهد رفت؟ مگر سایر مراجع با اتومبیل مسافرت نمی‌کنند؟ امسال مراجع به راه افتادند و همه در تهران مجتمع

بخورند که نمی‌شود. بروند یک کاری انجام بدهند. شما هم محفوظ می‌مانید. آن وقت هیچ کس با شما مخالفتی هم نمی‌کند، آن وقت دلها هم پیش شما می‌آید؛ آن وقت همان طور که من اینجا می‌نشینم و صحبت می‌کنم و آقایان گوش می‌کنند و باورشان می‌آید، حرفهای شما را هم باور می‌کنند. حالا هر چه بگوئید، می‌گویند: بی خود می‌گوید. هر چه بگوئید؛ دو دو تا چهارتاست، می‌گویند: معلوم می‌شود که این مطلب بدیهی یک اشتباهی دارد!

آمد به من گفت که: خوب، دولت گذشته با شما چه بود و چه بود و چه کرد و چه کرد؛ و ما متأسفیم خوب آن که رفت، بحمدالله حالا یک دولتی آمده است که پدران بسیاری از اعضایش روحانی بوده‌اند و خود آنها متدین‌اند و کذا و کذا... گفتم: آقا! نه ما با آن دولت دشمنی داشتیم و نه عقد اخوتی با شما خوانده‌ایم. ما با اعمالتان نگاه می‌کنیم، ما مراقبیم؛ اگر اعمال شما تکرار اعمال آنهاست، همان طور که با آنها مخالف بودیم و هستیم الی یوم القیامه و رویشان برای همیشه سیاه شد، با شما هم مخالف خواهیم بود و شما هم آنچور خواهید شد. ما همانیم و مخالفت می‌کنیم و اگر چنانچه رویه را تغییر بدهید، ما همه مسلمان هستیم، برادر هستیم.

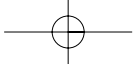
رویه را تغییر بدهید، نسبت به احکام شرع خاضع بشوید، تصویبنامه‌های باطل را که مخالف احکام شرع است، لغو بکنید. نسبت به احکام شرع خضوع بکنید. البته این جمله که تصویبنامه‌ها را لغو کنید، اینجا می‌گویم، آنجا گفتم: برای احکام اسلام خاضع شوید. اگر شما هم همان طور که ما همه مسلمان هستیم؛ شما هم می‌گوئید مسلمان هستیم، برای احکام شرع خاضع هستید، ما علاوه بر اینکه مخالفت نمی‌کنیم، از شما پشتیبانی هم می‌کنیم.

مگر ما می‌گوئیم دولت نباشد؛ ما می‌گوئیم دولت باشد؛ ولی برای قوانین اسلام و لافل برای قانون اساسی خاضع باشد. ما که نمی‌گوئیم دولت نباشد. ما که نمی‌گوئیم که می‌خواهیم مثل آن کسانی که در هزاران سال پیش بودند و داخل غارها زندگی می‌کردند، زندگی کنیم. کدام روحانی به شما این حرف را زده است؟ کدام روحانی گفته است که ما با فلان مظاهر تمدن مخالفیم؟ شما مظاهر تمدن را وقتی که در ایران می‌آید، چنان از صورت طبیعی خارج می‌کنید که چیز حلال را مبدل به حرام می‌کنید! این رادیو برای این بساطی است که حالا در ایران مرسوم است؟! این تلویزیون برای این بساطی است که اینها راه انداخته‌اند؟!

در ممالک دیگر هم همین طور است؟! استفادهٔ ممالک متمدن از این آلات جدید همین جور است که آقایان در اینجا استفاده می‌کنند؟!

مملکت ما تربیت صحیح ندارد. فرهنگ ما یک فرهنگی نیست که بتواند این مملکت را اداره کند؛ جوان قوی و نیرومند را تحویل بدهد که در مقابل استعمار بایستد. دستش را بلند کند، کشته بشود. ملت را نجات بدهد این فرهنگ ما فرهنگی نیست که این کاره باشد. اینها اعصاب مردم را با این بساطی که در اینجاها راه می‌اندازند؛ و با این برنامه‌هایی که در رادیو و تلویزیون اجرا می‌شود تخدیر می‌کنند. اصنف الی ذلک مطبوعات ما؛ روزنامه‌های ما؛ مجلات ما، و کتابهایی که منتشر می‌شود.

تمام اینها به دست استعمار است که روزنامه‌ها را این طور مبتذل می‌کند تا فکر جوانهای ما را مسموم کند. استعمار است که برنامه‌های فرهنگی ما را جوری تنظیم می‌کند که



ادامه از صفحه قبل

ای مملکت مترقی! چه می‌گویی؟ چه می‌گوئید شماها؟! مگر با الفاظ اصلاح می‌شود؟ مگر با فرستادن چهار تازن به مجلس، ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند، ترقی برای شما درست کردند تا زنهاتان ترقی درست کنند؟ ما می‌گوئیم اینها را فرستادن به این مراکز، جز فساد چیزی ندارد؛ شما بعد تجربه کنید، ببینید بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر چه نتیجه‌ای خواهد داد؟ اینها را بفرستید، اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید. ما با ترقی زنها مخالف نیستیم؛ ما با این فحشا مخالفیم؛ با این کارهای غلط مخالفیم. مگر مردها آزادند که زنها می‌خواهند آزاد باشند؟ مگر آزادمرد و آزادزن با لفظ درست می‌شود؟ در این مملکت مردها آزادند؟ الآن مردها آزادند؟ در چه چیز آزادند؟

#### تشکر و قدردانی

من عاجزم از اینکه از جمیع ملت‌های اسلامی تشکر کنم. از ملت بزرگ ایران، جمیع اصناف، جمیع طبقات؛ آنها که با ما همکاری کردند، آنها که در غم ما غم خوردند، تشکر بزرگ کنم. مراجع عظیم الشان و علماء شهرستانها و خطباء و وعاظ زحمت کشیدند؛ به تهران رفتند، در آنجا اهانت‌ها دیدند، زحمت‌ها کشیدند. مراجع بزرگ از بلاد در مرکز جمع شدند، از مشهد تشریف آوردند، از اهواز تشریف آوردند، از قم اعظام ما تشریف بردند، مراجع ما تشریف بردند، نجف همراهی کرد؛ آن کسی هم که در قم بود، همراهی می‌کرد. همه و همه با هم دست دادند و به همه فهماندند که ما ملت زنده هستیم؛ ما برای آزادی این ملت همه جور حاضریم؛ یکی حبس می‌رود، یکی زجر می‌کشد، یکی اهانت می‌بیند، یکی فحش می‌شنود، ما به همه چیزش حاضریم. حالا همین مراجع عظام قم تشریف دارند

## نظرها و اندیشه‌ها - سیاسی

کثرالله امثالهم (آمین جمعیت) همان مراجع نجف تشریف دارند کثرالله امثالهم (آمین جمعیت) همان مراجع تهران و مشهد تشریف دارند کثرالله امثالهم (آمین جمعیت) اسلام چنان نیست که یک فرد داشته باشد، دو فرد داشته باشد، همه سربازان اسلام‌اند. همهٔ علماء جان نثار اسلام‌اند. نمی‌شود نباشند؛ همه هستند. الحمدلله همه دست به هم داده‌اند؛ چه آن که صلاح دیده که به ملایمت کار را انجام دهد و چه آنکه صلاح دیده با حدت کار را انجام بدهد. همهٔ اینها از ما هستند.

من لسانم ضعیف است که از این افراد برجسته، از این علماء بزرگ؛ از این خطباء و وعاظ محترم تشکر کنم. من نمی‌توانم تشکر کنم. خدای تبارک و تعالی ایشان را حفظ کند. (آمین حضار) خداوند سایه آنها را بر سر ما و مسلمین مستدام بدارد. (آمین حضار) ما همه یک هستیم؛ یک. افراد زیادند، لکن آرا واحد است. یک هستیم؛ همه یک هستیم، کسی گمان نکند که با پخش یک چیزهای مسموم می‌تواند بین علماء اسلامی جدائی ببیندازد. این مطلب هیچ امکان ندارد. ما همه با هم هستیم. ما برای ذب از اسلام و ذب از ایران و ذب از استقلال ایران و ذب از کیان اسلام، هم یک هستیم، یک حلقوم داریم. گمان نشود، بچه‌ها خیال نکنند که خدای نخواستہ اختلافي در کار هست.

#### نصیحت به طلاب جوان

من یک نصیحت می‌کنم به طلاب جوان که تازه آمده‌اند وحاد و تندند؛ و آن این است که: آقایان متوجه باشید؛ اگر چنانچه کسی به یک نفر از مراجع اسلام شطر کلمه‌ای اهانت کند، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنید؟! فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟اگر به واسطهٔ

بعضی از جهالت‌ها لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد شود، پیش خدای تبارک و تعالی معاقبید؛ توبه‌تان مشکل است قبول بشود؛ چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود. اگر کسی به من اهانت کرد، سیلی به صورت من زد، سیلی به صورت اولاد من زد، والله تعالی راضی نیستم کسی در مقابل او بایستد و دفاع کند، راضی نیستم. من می‌دانم که بعضی از افراد یا به جهالت یا به عمد، می‌خواهند تفرقه ما بین این مجتمع ببندازند، تفرقه بین مجتمع معنایش این است که خدای نخواستہ در اسلام، خللی واقع شود، استعمار به آرزوی خودش برسد.

ما باید خودمان را برای اسلام فدا کنیم؛ آمال و آرزوهایمان را باید برای اسلام فدا کنیم، ما همهٔ مراجع از شصت به بالا بوده در عشرهٔ مشثومه یا میمونهٔ عمریم؛ اگر در این عشره برای خدا از بین برویم، عشرهٔ میمونه است و اگر چنانچه باز به آمال و آرزو باشیم، مشثومه. سن همهٔ مراجع از شصت به بالا است، دیگر می‌شود این اشخاص که ریششان را در اسلام سفید کرده‌اند، خدای نخواستہ برخلاف مصالح اسلام عملی بکنند؟ نمی‌شود آقا.

اگر یک وقت در این مورد مثل سایر مسائل فرعیه اختلاف اجتهاد در کار باشد، بچه‌ها و جوانها نباید دخالت بکنند، خطرناک است؛ دشمن بیدار است. گمان نکنید که فحش به یک نفر است، به یک جامعهٔ اسلامی است، اهانت به یک جامعهٔ اسلامی است، وهن وارد شدن بر یک جامعهٔ اسلامی است.

من که اینجا نشسته‌ام، دست تمام مراجع را می‌بوسم؛ تمام مراجع اینجا، نجف، مشهد، تهران و سایر بلاد، من دست همهٔ علماء اسلام را هر جا هستند، می‌بوسم. مقصد بزرگتر از اینهاست. من

# جنگ علیه شیعیان یمن

درگیری الحوثی‌ها در استان صعده با دولت مرکزی یمن از جمله تنش‌هایی بوده که طی سال‌های اخیر دولت علی عبدالله صالح با آن دست به‌گریبان بوده است.

حدود ۲۲ درصد از جمعیت یمن را شیعیان تشکیل می‌دهند که خود به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- زیدی‌ها که اکثریت را تشکیل می‌دهند.

۲- اسماعیلیان

۳- شیعیان اثنی عشری

با نگاهی به وضعیت معیشتی شیعیان یمن این نکته روشن می‌شود که در طول حکومت دولت یمن، شیعیان با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه بوده‌اند. از جمله این مشکلات عبارتند از: نداشتن حق تأسیس مدارس دینی مخصوص شیعیان، تحمل اذیت و آزار شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعی توسط نظام حاکم، جلوگیری از برگزاری جشن‌های عید غدیر، توهین به ارزش‌های شیعیان یمن از جمله به آتش کشیدن علنی و قانونی کتاب‌هایی از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه با هماهنگی دولت یمن و وهابیت سعودی.

زیدی‌ها به ولایت و عصمت پنج تن (علیهم السلام)، خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علی(ع)، امامت امامان از نسل امام حسین(ع) و اعتقاد به ظهور منجی و قیام جهانی امام مهدی(عج) و ضرورت یاری او اعتقاد راسخ دارند.

اکثر جمعیت ۲۴ میلیونی کشور یمن را اهل سنت شافعی تشکیل می‌دهند و در درجه بعدی نوبت به شیعیان زیدی می‌رسد که حدود ۲۵ درصد از جمعیت کل یمن هستند و شیعیان دوازده امامی، اقلیت مذهبی و در عین حال محروم این کشور به شمار می‌آیند که اکثر آنها در استان صعده و بخشی

از آنان در صنعا پایتخت این کشور ساکنند. بیشتر شیعیان دوازده امامی یمن را نخبگان، استادان دانشگاه، روحانیون و پزشکان تشکیل می‌دهند. پنج میلیون تن از جمعیت یمن را سادات تشکیل می‌دهند که کلا از ۲۰۰ خانواده هستند و ۹۰درصد آنها از سادات حسنی و ۱۰درصد آنها از سادات حسینی هستند.

الحوثی‌ها یک گروه شیعه زیدیه در شمال یمن در استان صعده هستند که به بدرالدین الحوثی منسوب می‌شوند و به الحوثی‌ها معروف هستند و در سال‌های دهه ۸۰ تشکیل شده‌اند و تاکنون به منظور احقاق حقوق شیعیان ۶بار با نظام حاکم یمن جنگیده‌اند.

گروه الحوثی به محدود بودن فعالیت‌های دینی، سیاسی و تلاش برای از بین بردن فرهنگ و معتقدات زیدی‌ها از سوی دولت و سیاست‌های محدودکننده دولت در زمینه عمرانی و توسعه در استان صعده اعتراض دارد.

#### نظام حاکم یمن:

علی عبدالله صالح ۱۲ سال رئیس‌جمهور یمن شمالی بود و از سال ۱۹۹۰ میلادی که اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی یمن شکل گرفت، ۱۹ سال است رئیس‌جمهور یمن متحد است. چند سال پیش صالح با ایالات متحده آمریکا و دولت عربستان سعودی قراردادهایی را امضا کرد و پس از آن بود که صالح اعلام کرد، به هر طریقی که شده، حتی با توسل به گزینه نظامی، گروه الحوثی را در صعده سرکوب خواهد کرد.

رئیس‌جمهور یمن ادعا می‌کند که شیعه زیدی است اما عملکرد وی نشان می‌دهد که وی بعثی و کاملاً ضدشیعه است و دشمنی دیرینه‌ای با زیدی‌ها دارد درحالی‌که اکنون نیز بیشتر از وهابی‌ها حمایت می‌کند.

## پیشینه

دست برادری دراز می‌کنم به تمام ملت‌های اسلامی؛ به تمام مسلمین دنیا در شرق و غرب عالم. هرچه مسلم هستند؛ من از اینجا دست برادری دراز می‌کنم و دست آنها را می‌فشارم. ما برای همهٔ علماء اسلام خاضع هستیم. شما هم باید خاضع باشید، همه؛ همه؛ همه؛ همه باید خاضع باشید. این هم امری است که به حضرات آقایان تذکر دادم.

البته نمی‌گویم واقعه‌ای هست، انشاءالله هیچ، ایدا نیست؛ اما جوان‌اند، بچه‌اند؛ گاهی عصبانیتی پیدا می‌کنند از این امور. آقا، ما اهل یک ملت؛ اهل یک مملکت؛ اهل یک دیانت هستیم. همه بر خوان نعمت خدای تبارک و تعالی نشسته‌ایم، همه باید شکر این نعمت را بگزاریم که چنین مراجع بزرگ داریم. متشکر باشیم از خدا که چنین افراد برجسته‌ای داریم. همه باید از آنها قدردانی کنیم. عزت آنها عزت اسلام است؛ اهانت به آنها اهانت به اسلام است. توجه داشته باشید مبادا یک وقت یک اهانتی به یک مسلمی؛ یک اهانتی به یک مرجعی؛ یک اهانتی به یک مؤمنی بشود که خدای تبارک و تعالی راضی نیست و من می‌ترسم که یک وقت خدای تبارک و تعالی ما را اخذ بکند، اخذ عزیز مقتدر!

مطلب با این حرف‌ها تمام نمی‌شود، زیاد است و من هم که دیگر قدرت صحبت کردن ندارم. از این جهت توفیق همهٔ علماء اسلام را در خدمت به اسلام از خدای تبارک و تعالی در خواست دارم. خداوند تمام مراجع اسلام را در ظل حمایت خودش حفظ کند. (آمین جمعیت) سایهٔ تمام مراجع اسلام را بر سر مسلمین و بر سر همهٔ ما مستدام بدارد. (آمین جمعیت) دیانت اسلام را تقویت کند. (آمین جمعیت) دست اشخاصی که به استقلال مملکت ما، به اقتصاد مملکت ما خیانت می‌کنند، قطع کند (آمین بلند جمعیت).

علی عبدالله صالح به سبب جایگاه عناصر وهابی-مانند شیخ الاحمر یا عبدالمجید الزندانی- در دوره ۳۱ ساله حکومتش بر این کشور و اعطای پناهندگی سیاسی به عناصر حزب بعث بعد از جنگ آمریکا و عراق، به صدام صغیر مشهور است. وی در دوره جنگ تحمیلی نیز با اعزام سربازان گارد ریاست جمهوری یمن به نبرد بانبروهای ایران، ناتوانی کشورش را در کمک مالی به صدام جبران کرد.

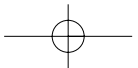
#### رشد تشیع و تشدید فشارها:

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره)، تعداد شیعیان دوازده امامی در یمن بسیار کم بود، اما پس از آن جهشی در این زمینه ایجاد شد. این درحالی است که میان شیعیان دوازده امامی و شیعیان زیدی در یمن، هماهنگی و اتحاد خاصی وجود دارد و سازمان وحدت شیعیان جزیره در یمن، فعالیت‌های شیعیان زیدی و دوازده امامی را پوشش می‌دهد.

زیدی‌ها معتقدند حکومت در هر زمانی تنها حق سادات از نسل امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است و هرکس دیگری جز آنها، حکومت را در اختیار داشته باشد، غاصب است.

حکومت امامان شیعه پس از اعلام حکومت جمهوری در سال ۱۹۶۲ میلادی منقرض شد و ژنرال علی عبدالله صالح الاحمر رئیس‌جمهور یمن از حدود ۳۰ سال پیش تاکنون زمام امور این کشور را در دست خود دارد اما قبایل، همچنان از تأثیرگذاری ژرفی در ساختار سیاسی و فرهنگی این کشور برخوردار هستند.

خاندان الاحمر از خاندان‌های مهم زیدی یمن هستند که قرابت‌های ویژه‌ای با وهابی‌های عربستان سعودی دارند. شیخ عبدالله الاحمر که از خویشاوندان ژنرال صالح است و شیخ الشیوخ قبایل یمن به شمار



عنوان رهبر محبوب شیعیان شناخته شد و جنگ های، پنجم و جنگ کنونی علیه ارتش یمن راهدایت کرد.

#### جنگ پنجم:

این جنگ در فوریه ۲۰۰۸ شروع شد. جنبش الحوثی از سلاح های متوسط و سنگین علیه ارتش صنعا استفاده کرد. دایره عملیاتی این جنگ که استان صعده، منطقه بنی حبشیش (بخشی از صنعا) و منطقه حرف سفیان (بخشی از استان عمران)، بوده است زنگ خطر را برای مقامات صنعا به صدا در آورد.

این عملیات نشانگر توسعه گستره عملیات نظامی و تحول کیفی در عملکرد نظامی الحوثی با صنعا بود. ژنرال علی عبدالله صالح در شرایط دشواری میانجیگری قطر را پذیرفت و دو طرف به توافقاتی دست یافتند.

بر اساس توافقنامه دوحه که با نظارت امیر قطر برای برقراری صلح میان الحوثی ها و دولت یمن به امضا رسید دو طرف متعهد به توقف عملیات نظامی علیه یکدیگر شدند. به موجب این توافق، دولت یمن باید الحوثی ها را مورد عفو قرار می داد و اسیران دو طرف نیز باید آزاد می شدند.

گروه الحوثی نیز باید سلاح هایی را که از نیروهای دولتی به غنیمت گرفته بود به ارتش باز می گرداند. بر اساس این توافق، کنترل استان صعده برعهده دولت مرکزی بود و گروه الحوثی برای فعالیت خود باید یک حزب سیاسی تشکیل می داد، اما این توافقنامه که پس از پنج دور جنگ خونین میان طرفین به امضا رسید، فقط درباره تبادل اسیران جنبه اجرایی به خود گرفت و سایر بندهای آن به اجرا در نیامد. دو طرف درگیر در یمن، یکدیگر را به نقض مفاد توافق دوحه متهم می کنند.

در واقع طرف یمنی و حامیان منطقه ای آن این توافقات را برای کسب فرصت برای بازسازی و ترمیم قوای نظامی خود پذیرفته ولی پس از یک جنگ روانی و تبلیغاتی که همزمان در صنعا و ریاض آغاز شد، زمینه ها برای جنگ ششم فراهم شد.

#### جنگ ششم:

این جنگ در اوت ۲۰۰۹ (مرداد گذشته) آغاز و در حقیقت یک جنگ تمام عیار و گسترده بوده و کشتارها و قتل عام ها، نشانگر عصبانیت و فشارهای روانی فرماندهان ارتش صنعا بوده که ناشی از شکست گذشته بوده است.

این جنگ با هماهنگی سیاسی، نظامی و امنیتی میان ریاض و صنعا بوده و حتی دوستان ژنرال علی عبدالله صالح نتوانستند صنعا و ارتش مسلح به انواع سلاح های آن را به عنوان پیروز این جنگ قلمداد کنند.

قتل عام کودکان و زنان بیگانه شیعی در صعده و روستاهای محروم آن نشانگر شکست کامل برنامه ها و طرح های راهبردی صنعا بوده است.

در این جنگ صدها تن از مردم و نیروهای نظامی کشته و صدها تن از علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده و یا به زندان افتاده اند. فرماندهی رزمندگان شیعه برعهده سیدعبدالملک طباطبایی حوثی برادر سیدحسین است و سیدیحیی دیگر برادر وی نیز که مجلس نمایندگان یمن مصونیت سیاسی وی را سلب و اینترپل را موظف به بازداشت وی کرده است مسئولیت رهبری سیاسی و تبلیغاتی شیعیان را برعهده گرفتند.

در این میان عبدالله عیظه الرزازی فرمانده زبده رزمندگان شیعه همواره از ابتدای جنگ نخست دولت علیه شیعیان، در سایه بوده اما اقتدار و دلآوری وی و نیروهای تحت امرش به حدی است که مردم یمن از او با عنوان مالک اشتر زمان یاد می کنند. وی اکنون به عنوان دست راست سیدعبدالملک عمل می کند.

تفاوت این جنگ با جنگ های سابق، تقویت اقتدار نظامی و عملیاتی رزمندگان شیعه در رویارویی با نیروهای دولتی است به گونه ای که شیعیان تاکنون موفق به انهدام سه فروند هواپیمای جنگنده سوخو، یک فروند هلی کوپتر نظامی و ده هادستگاه از تانک های ارتش شده اند.

منبع: فارس

های مقدس از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجاده را در صعده و صنعا جمع آوری کرد و با کامیون به میدان مرکزی شهر صنعا موسوم به ساحه الحریه (میدان آزادی) آورد و در برابر چشم اهالی پایتخت به آتش کشید.

وی می افزاید: نیروهای نظامی به فرماندهی ژنرال علی محسن الاحمر در حملات به مناطق شیعه نشین از هیچ جنایتی فروگذار نکردند و با به کارگیری سلاح های شیمیایی و بمب های خوشه ای مردم را به خاک و خون کشیدند. نظامیان یمنی پس از سوزاندن پیکرهای رزمندگان شیعه، آنها را با طناب به خودروهای نظامی بستند و در روز روشن جلوی چشم مردم مصیبت زده کیلومتر ها روی خاک کشیدند تا به قول خودشان برای مردم درس عبرت شود.

العماد با اشاره به اینکه شیعیان در تمامی درگیری ها همواره آمادگی خود را برای مذاکره و حل و فصل بحران از طریق مسالمت جویانه اعلام کردند، تاکید می کند: وهابی های سعودی و بعضی های عراقی که بیشتر آنها پس از سقوط بغداد به یمن گریختند به قدری بر دولت یمن نفوذ دارند که نمی گذارند راه حل دیگری جز حمله به مناطق شیعه نشین اتخاذ شود.

#### جنگ سوم:

این جنگ در مارس ۲۰۰۶ به رهبری عبدالملک، الحوثی برادر کوچک حسین در دفاع از پایگاه شیعیان که از سوی نیروهای ارتش به آنها تجاوز شده بود، آغاز شد و محدوده جغرافیایی این جنگ شامل شهرستان های حومه صعده همچون ساقین، المجز و حیدان گسترش یافت و دامنه نبرد تا مرکز خود استان صعده کشیده شد. این جنگ به خاطر مسائل انتخابات ریاست جمهوری و شهرداری ها که در دسامبر ۲۰۰۶ برگزار شد پس از یک توافق میان طرفین متوقف شد.

در این نبرد، نیروهای دولتی به بهانه آزادی برخی سربازان که به اسارت درآمده بودند به یکی از استحکامات الحوثی ها در ارتفاعات یورش بردند و به ادعای رسانه های دولتی در ابتدای حمله بیش از ۰۸ نفر از آنها کشته شدند.

این در حالی بود که تلفات ارتش فقط ۷۲ نفر اعلام شد و در روزهای بعدی نیز دولت به هلاکت ۷ نفر دیگر که یکی از آنها دارای درجه سرگردی بود، اعتراف کرد. دولت یمن این بار آن گونه که خود اعلام کرد با



هدف پاکسازی مناطق شیعه نشین مناطق مختلف در سراسر کشور از جمله پایتخت (صنعا)، مارب، جوف، حجه و سایر شهرها را هدف شدیدترین حملات قرارداد و صدها تن از فعالان سیاسی و فرهنگی را دستگیر و روانه زندان کرد.

#### جنگ چهارم:

جنگ چهارم در آوریل ۲۰۰۷، جنبش جوانان مؤمن تمام استان صعده را به محل عملیات نظامی علیه ارتش یمن تبدیل کرد. در این نبرد به مؤسسات و نهادهای دولتی، امنیتی و نظامی آسیب جدی رسید. در چهار جنگ جنبش الحوثی ها و هواداران از عملیات چریکی علیه ارتش یمن استفاده می کردند.

این جنگ نیز در نهایت با عقب راندن ارتش یمن از مواضع و استحکامات کوهستانی پایان یافت و عبدالملک الحوثی برادر حسین بدرالدین همچنان به

امنیتی، ظرف چند دقیقه به جهنمی از خاک و آتش و خون تبدیل شد.

دولت یمن، با اعمال سانسور شدید خبری و اخراج خبرنگاران شبکه های تلویزیونی از جمله الجزیره، العربیه و العالم، به مدت سه ماه به بمباران مناطق شیعه نشین شمال این کشور پرداخت و با تصرف شهر مران و کشته شدن سید حسین، در روز دهم

سپتامبر همان سال، رسماً پایان جنگ را اعلام کرد.

دولت یمن پس از مرگ حسین بدرالدین الحوثی، تصور کرد که بر شیعیان ساکن استان صعده تسلط خواهد یافت و منطقه را از وجود مخالفان دولت پاک کرده است، اما آغاز سلسله نبردهای بعدی که موسوم به جنگ دوم ارتش یمن با الحوثی ها شد، این واقعیت را به سراب تبدیل کرد.

#### جنگ دوم:

مظلومیت ساکنان استان صعده و شهرت روزافزون سید حسین طباطبایی حوثی در میان مردمی که اکنون از وی با عنوان شهید نام می بردند و نشر و گسترش معارف و آموزه هایی که وی طی سال های گذشته به صورت کتاب و سخنرانی منتشر کرده بود باعث همدردی و همیاری بسیاری از شیعیان یمن شد و تعداد فراوانی از اهالی منطقه حیدان و سایر استان ها برای یاری شیعیان این منطقه و بازسازی بناهای تخریب شده به سوی صعده روان شدند.

اما این بار آن گونه که ساکنان این مناطق می گویند ارتش یمن برای گرفتن زهر چشم از اهالی حیدان به اتهام همدردی و همیاری با شیعیان صعده، این منطقه را تحت شدیدترین حملات زمینی و هوایی خود قرار داد که نتیجه آن صدها کشته و زخمی بود که همه آنها از شهروندان غیرنظامی بودند.

جنگ دوم ارتش یمن و الحوثی ها در پایان ژانویه ۲۰۰۵ آغاز و با گسترش عملیات نظامی از کوه مران به شهرستان حیدان توسعه یافت، در این نبرد، پدر حسین الحوثی به نام بدرالدین الحوثی رهبری جنگ را برعهده گرفت.

این نبرد در همان روزهای آغازین، ۲۳ شهید را در صفوف الحوثی ها بر جای گذاشت و به گفته ارتش یمن فقط هشت تن از نیروهای ارتش و امنیتی کشته شدند، در حالی که نیروهای دولتی موفق به دستگیری ۵۱ نفر شده بودند.

بدرالدین الحوثی، پس از اینکه فرزندش حسین توسط ارتش یمن به شهادت رسید، سکونت در صنعا را رها کرد و به کوهستان های صعب العبور صعده رفت. وی که فقیه و شخص بسیار موجهی از نظر فقهی و علمی در یمن بود پیشنهاد دولت برای دریافت حقوق ماهیانه و همراه داشتن ۲۰۰ محافظ برای تردد در کشور را نپذیرفت و به میدان نبرد با دولت مرکزی در شمال یمن شتافت.

شهروندان ساکن کشور و حیدان پس از جنگ دوم دولت یمن علیه شیعیان، آواره کوه های النقع، مطره، آل سالم، عصاید و بنی معاذ شدند و دولت در تاریخ بیست و هفتم مارس ۲۰۰۵ پایان جنگ دوم برضد شیعیان را اعلام کرد. اما این بار نیز با گسترش روز افزون اعتراضات داخلی و بین المللی به کشتار شیعیان یمن، دولت که مبارزان شیعه را بزرگترین مانع خود برای تقویت روابط با آمریکا و عربستان سعودی می دانست تصمیم به نسل کشی کامل شیعیان در استان صعده گرفت و در این میان سادات رانین هدف حملات نظامی خود قرار داد و جلوی برگزاری هرگونه مراسم مذهبی را گرفت.

دکتر عصام العماد از علمای شیعه یمن در این باره می گوید: دولت یمن به دستور شخص ژنرال علی عبدالله صالح به مساجد شیعیان حمله و تمامی کتاب



می رود، دومین شخص تأثیرگذار در عرصه سیاسی این کشور است.

#### شروع جنگ دولت یمن علیه شیعیان:

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، پیامدهای بین المللی بسیاری دربر داشت که یکی از مهم ترین آنها، شکل گیری پیمان های به اصطلاح ضدتروریستی به رهبری آمریکا در مناطق مختلف جهان بود. حضور یمن به عنوان مهم ترین هم پیمان آمریکا در جنگ با تروریسم در خاورمیانه، به حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکایی ها در این کشور و نیز سفرهای مخفیانه برخی هیئت های اسرائیلی به صنعا دامن زد که این مسئله، با اعتراض های فراوانی در این کشور روبه رو شد.

در این میان سید حسین طباطبایی حوثی فرزند علامه بدرالدین طباطبایی حوثی که تا آن هنگام علاوه بر نمایندگی شیعیان صعده در مجلس و دبیر کلی حزب الحق، به تدریس و تفسیر قرآن و برگزاری جلسات مذهبی برای شیعیان استان صعده اشتغال داشت در سخنانی در مدرسه امام هادی شهر مران در روز هفدهم ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی با عنوان فریادی در چهره مستکبران خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد و شعار الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام را به عنوان شعار رسمی شیعیان این منطقه اعلام کرد و خواستار تمسک مسلمانان به آموزه های قرآن و اهل بیت شد.

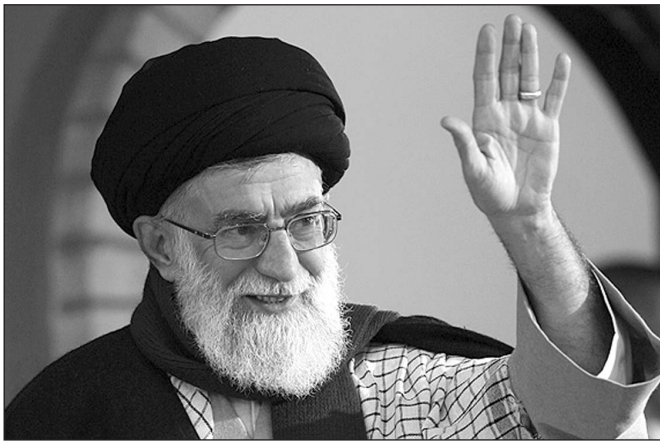
در پی این درخواست بسیاری از مردم یمن، به این دعوت لبیک گفتند و گروهی از جوانان فعال شیعه، با تأسیس گروهی به نام الشیاب المؤمن به اجرایی کردن مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی در یمن و مخالفت با هم پیمانی دولت این کشور با دولت جرج بوش رئیس جمهور آمریکا پرداختند.

اجابت درخواست سید حسین طباطبایی حوثی از سوی اقشار مختلف شیعیان در یمن به جایی رسید که مردم در نماز جمعه مسجد جامع صنعا پایتخت یمن، شعارهای چهارگانه شیعیان را سردادند. این مسئله در دولت ژنرال صالح دلهره خاصی ایجاد کرد و باتوجه به روحیه انقلابی شیعیان یمن در طول تاریخ، با انتساب اتهام تروریست به شیعیان، تلاش کرد تا با جلب حمایت آمریکا، معترضان را سرکوب کند.

علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن در راستای این نیت، در سال ۲۰۰۴ میلادی، با حضور در نشست سران هشت کشور صنعتی جهان در مجتمع آیسلند در ایالت جورجیا آمریکا، با بوش و سران کشورهای اروپایی مذاکره و تلاش کرد از کمک و حمایت آنها در سرکوب شیعیان یمن و تروریست های القاعده که همزمان، با نفوذ از سایر کشورها و نیز جذب نیرو از استان های سنی نشین این کشور فعال شده بودند بهره بگیرد.

ژنرال صالح به محض بازگشت از آمریکا، در دستوری خطاب به نیروهای ارتش این کشور، دستور حمله سراسری به استان صعده و به ویژه مناطق نشور، آل صیفی، ضحیان و مران را صادر کرد و بلافاصله، جنگنده بمب افکن های ارتش به پشتیبانی صدها دستگاه تانک و توپ، این مناطق را زیر حملات شدید خود گرفتند و بدین وسیله صبح روز یکشنبه هجدهم ژوئن ۲۰۰۴ میلادی، این منطقه سربسز و خرم کوهستانی، با یورش همه جانبه نیروهای نظامی و

## تفرقه اندازی، دفاع از ولایت نیست



اینکه اینها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه آنها، آنها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه اینها؛ پول هر دو را هم یک مرکز می‌دهد؛ پول هر دو کتاب و نشر هر دو کتاب از یک جیب خارج می‌شود. اینها هشداردهنده نیست؟ اینها را باید توجه کنند.

من امروز به برکت ولایت امیرالمؤمنین و به نام آن بزرگوار و با استمداد از روح بزرگ امیرالمؤمنین این را عرض کردم برای اینکه یک تأکیدی باشد بر آنچه در طول سالیان متمادی امام بزرگوار گفتند، ماها گفتیم. همه بدانند، این جور نباشد که کسی از یک گوشه‌ای خیال کند دارد از شیعه دفاع می‌کند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست، این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواید، این دفاع از آمریکاست، این دفاع از صهیونیست‌هاست.

استدلال منطقی هیچ اشکالی ندارد؛ کتاب‌ها بنویسند، استدلال کنند؛ علمای ما نوشتند، امروز هم می‌نویسند و بنویسند. ما در فروع، در اصول، در بسیاری از مسائل، نظرات مستقل شیعی داریم؛ اینها را استدلال کنند، بیان کنند، آنچه غیر از اینهاست، آن را با استدلال منطقی رد کنند؛ هیچ مانعی ندارد. اما این غیر از اهانت کردن، بدگویی کردن، دشمنی درست کردن است. به این باید توجه کرد.

بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌ای را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی‌ای را شیعه خواهد کرد. آن کسانی که مایلند همه مردم دنیای اسلام به محبت اهل بیت و ولایت اهل بیت بگردند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن هیچ کس را نمی‌توان شیعه کرد و به ولایت اهل بیت متوجه کرد.

دعوا ایجاد کردن جز بغضاء و جدایی و دشمنی هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدایی همان چیزی است که امروز آمریکا می‌خواهد، صهیونیست‌ها می‌خواهند و دارند برای آن تلاش می‌کنند. در یک کشور اروپایی غیراسلامی دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما می‌بینید توی تلویزیون‌شان، مناظره شیعه و سنی راه می‌اندازند. یکی را از شیعه دعوت می‌کنند، یکی را از سنی دعوت می‌کنند، که شما بیایید تو این تلویزیون با هم مناظره کنید. مقصودشان چیست؟ یک کشور مسیحی، یک کشور استعمارگر با سابقه سیاه، مناظره شیعه و سنی به چه مقصود راه می‌اندازد؟ می‌خواهد حقیقت معلوم بشود؟

می‌خواهد در بین مباحثه و مناظره، مستمعین و مخاطبانش حق را بفهمند؟ یا می‌خواهد از این گفت و گوها و از آنچه در خلال این گفت و گوها ممکن است از کسی سر بزنند، این آتش اختلاف را تشدید کند؟ نفت روی این آتش بریزد؟ اینها باید ما را بیدار کند، اینها باید ما را به خود بیاورد؛ باید هشیار بشویم. شیعه منطبق قوی‌ای دارد. استدلال متکلمین شیعه و علمای شیعه درباره مباحث تشیع استدلال‌های پولادین و محکمی است اما این ربطی ندارد به اینکه در دنیای تشیع شروع کنند به مخالفان خودشان بدگویی کردن و اهانت کردن و ایجاد دشمنی کردن، آن هم در مقابل، همین جور، و آتش دعوا درست کنند.

ما اطلاع داریم، بنده هم امروز اطلاع دارم، هم از گذشته اطلاع دارم که پول‌ها دارد خرج می‌شود برای

دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دل‌ها را به خود جذب کند؛ دل‌هایی که شیعه نبودند.

میلیون‌ها نفر از برادران اهل سنت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آسیایی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتحاد دل‌ها، از توجه دل‌ها به جمهوری اسلامی (دل‌های آحاد مسلمان‌ها) دشمن ضربه خورد. می‌خواهد این توجه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی.

الآن یکی از بخش‌های مهم سیاست استکبار در همین منطقه ما - علاوه بر دشمنی‌های دیگری که می‌کنند - این است که این سران بعضی از کشورهای عربی را با خودشان همراه کنند و آنها را در مقابل ملت ایران قرار بدهند؛ در مسائل گوناگون؛ در مسئله هسته‌ای و غیرمسئله هسته‌ای، از مسائل مختلف، جلسه می‌گذارند، می‌نشینند، معامله می‌کنند، توطئه می‌کنند. آمریکا از بعضی از کشورهای اسلامی مطالبه می‌کند که شما چه سهمی حاضرید ایفا کنید در مقابله با ایران. سعی‌شان ایجاد دشمنی است.

کاری که دشمن می‌تواند در محافل و تصمیم‌گیری‌های سیاسی بکند، این است که سران دولت‌ها را با جمهوری اسلامی و ادار به مقابله کند؛ بیش از این کاری نمی‌تواند بکند. دشمن دل مردم - دل مردم کشورهای عربی، دل مردم کشورهای اسلامی، دل مردم فلسطین، دل مردم عراق - را نمی‌تواند از جمهوری اسلامی برگرداند؛ دل‌ها را که نمی‌تواند؛ حداکثر کاری که بکنند این است که بتوانند دولت‌ها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند.

البته آن دولت‌ها هم هر کدام ملاحظه‌کاری‌های خودشان را دارند و این جور هم نیست که آماده باشند یکجا خودشان را در اختیار صهیونیست‌ها و استکبار در این قضیه قرار بدهند؛ اما در دل مردم اثری نمی‌تواند بکنند. در دل مردم چه اثر می‌کند؟ چه چیزی می‌تواند دل‌های دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلاف‌ها و تعصب‌های مذهبی است. اینها می‌تواند دل‌ها را از هم جدا کند. از این باید ترسید؛ از این باید ترسید.

همه مسئولند که مراقبت کنند. اینکه در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت، در دنیای تسنن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت

یک نکته دیگر هم در باب مسئله غدیر عرض کنیم. مسئله غدیر برای ما شیعیان پایه عقیده شیعی است. ما معتقدیم که بعد از وجود مقدس نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام بحق برای امت اسلامی، امیرالمؤمنین بود؛ این، پایه و مایه اصلی عقیده شیعه است. معلوم است که برادران اهل سنت ما، این عقیده را قبول ندارند؛ جور دیگری نظر می‌دهند، جور دیگری فکر می‌کنند؛ این شاخص وجود دارد. لکن همین قضیه غدیر در یک نقطه، وسیله و مایه اجتماع امت اسلامی است و او شخصیت امیرالمؤمنین است. درباره شخصیت و عظمت این انسان بزرگ و والا بین مسلمین اختلافی نیست. امیرالمؤمنین را همه در همان نقطه عالی و سامی که باید به او در آن نقطه نگریست - از لحاظ علم، از لحاظ تقوا، از لحاظ شجاعت - می‌نگرند و می‌بینند؛ یعنی ملتقای عقیده همه آحاد امت اسلامی امیرالمؤمنین است.

آنچه که ما امروز باید به آن توجه کنیم، این است که شیعه این عقیده را برای خود مثل جان عزیز در طول قرن‌های متمادی حفظ کرده است. با وجود دشمنی‌هایی که شده است - که این دشمنی‌ها را کم و بیش همه می‌دانند؛ چقدر ظلم کردند، چقدر فشار آوردند، چقدر اختناق ایجاد کردند - شیعه این عقیده را حفظ کرد؛ معارف تشیع را گسترش داد. فقه شیعه، کلام شیعه، فلسفه شیعه، علوم گوناگون شیعه، تمدن شیعی، فکر راقی شیعیان، بزرگان شیعه و برجستگان شیعه در تاریخ اسلام درخشان است. بنابراین، این عقیده‌ای است که شیعه آن را حفظ کرده است و حفظ خواهد کرد. اما توجه بکنید که این اعتقاد مایه دعوا و نزاع نباید بشود.

این، آن حرفی است که ما سال‌هاست این را گفته‌ایم و تکرار کرده‌ایم، باز هم تکرار می‌کنیم. و می‌بینیم که دشمن چه نیتی دارد، چه قصد خبیثی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنی؛ دشمن یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید، نه دشمن یک بخشی از اسلام. دشمن سعی‌اش این است که بین امت اسلامی، دشمنی برقرار کند؛ می‌فهمد که اتحاد دنیای اسلام چقدر برای او مضر است. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در

نوشتار زیر کوتاه شده‌ای از سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر خم در روز ۲۷ آذر ۱۳۸۷ است.

مسئله غدیر جزو مسائلی است که در پیرامون آن فکر کردن، امروز به جامعه اسلامی و به خصوص به مردم و کشور ما خیلی کمک می‌کند برای اینکه راه درست حرکت را گم نکنند. دوسه نکته را در پیرامون مسئله غدیر عرض می‌کنیم.

یک نکته خود واقعه غدیر است. دنیای اسلام در زمان پیامبر اکرم که بالنسبه وسعتی پیدا کرده بود، شاهد یک امر بسیار مهمی بودند و آن اعلام جانشینی امیرالمؤمنین بود. قضیه حادثه غدیر را فقط شیعه نقل نکردند، محدثین اهل سنت و بزرگان اهل سنت هم بسیاری این حادثه را نقل کردند، ولی فهم آنها از مسئله گاهی متفاوت است؛ اما اصل این حادثه در بین مسلمین جزو مسلمات محسوب می‌شود؛ حادثه تعیین جانشین برای پیغمبر در ماه‌های آخر زندگی ایشان (تقریباً ۷۰ روز به پایان زندگی پیغمبر بود) رخ داده است و در حقیقت خود نشان‌دهنده اهمیت مسئله حکومت و سیاست و ولایت امر است. اینکه امام بزرگوار ما و پیش از ایشان بسیاری از بزرگان فقها روی مسئله وحدت دین و سیاست و اهمیت مسئله حکومت در دین تکیه می‌کردند، ریشه‌اش در تعالیم اسلام و از جمله در درس بزرگ غدیر است.

این اهمیت موضوع را می‌رساند. همه مردمانی که از واقعه غدیر خم این معنارامی فهمند - یعنی ما شیعیان و حتی بسیاری از غیر شیعه که همین معنا را احساس کردند یا درک کردند از قضیه غدیر - بایستی در همه دوران‌های تاریخ اسلام توجه کنند به اینکه مسئله حکومت یک مسئله اساسی و مهم و درجه اول در اسلام است؛ نمی‌شود نسبت به مسئله حکومت و حاکمیت بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود. نقش حکومت‌ها هم در هدایت مردم یا در گمراه کردن مردم امری است که تجربه بشر به آن حکم می‌کند. اینکه در نظام جمهوری اسلامی - چه در قانون اساسی، چه در بقیه معارف جمهوری اسلامی - این همه روی مسئله مدیریت کشور اسلامی تکیه می‌شود، به خاطر همین ریشه بسیار عمیق و عریقی است که در اسلام نسبت به این قضیه هست. این یک نکته است که نباید از نظر دور باشد.

### بعثت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی  
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دقتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نشی ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکر چاپ: سپهر